



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ذی القعدة

ذی القعدة

روز انجمن اولاد و پناه منورک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضريح هاي نوراني : پنجم ذي القعهه روز تجليل از امامزادگان و بقاع متبركه

نويسنده:

رضا اخوي

ناشر چاپي:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خيريه جمهوري اسلامي ايران

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	ضریح های نورانی : پنجم ذی القعدة روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست
۱۶	پیشگفتار
۱۸	پرده اول: دیداری متفاوت
۲۲	پرده دوم : سه گام برای شروع
۲۲	اشاره
۲۴	گام اول: او را بشناس
۲۶	گام دوم: عاشق باش و شوریده
۲۷	گام سوم: جاروب کن خانه را
۳۰	پرده سوم: ستاره های غریب
۳۰	اشاره
۳۲	چرایی هجرت
۳۲	۱. فضای ناامن برای سادات و فرزندان اهل بیت النار
۳۲	اشاره
۳۳	محبت علی ، بدترین جرم تاریخ
۳۴	صفحاتی از تاریخ
۳۵	آل علی (علیه السلام)، آل مظلومان
۳۶	شهادت غلام حضرت علی (علیه السلام)
۳۷	دوره جدید آزار و شکنجه
۳۸	شهادت جوان هاشمی
۳۸	داستانی از جنایات هارون الرشید

۲. امنیت مناطق ایران ۴۰
۳. ایرانیان؛ شیفتگان اهل بیت (علیهم السلام) ۴۰
- اشاره ۴۰
- از نسل سلمان ۴۱
- نگاهی به چند روایت ۴۳
- آشیانه آل محمد (صلی الله علیه وآله) ۴۴
- مرا به قم ببرید؟ ۴۶
- همانند حسین (علیه السلام) ۴۷
۴. سفر امام رضا (علیه السلام) به ایران ۴۷
- اشاره ۴۷
- ناکامی های مأمون ۴۸
- سرانجام دو کاروان ۵۰
- پرده چهارم: برکات حضور ۵۲
- اشاره ۵۲
۱. بازخوانی و یاد آوری فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام ۵۴
- اشاره ۵۴
- زالال معرفت ۵۴
- نماد محبت ۵۵
۲. ارتقای سطح معنوی ۵۶
- اشاره ۵۶
- ترنم ذکر و صلوات ۵۶
- شمیم معنویت ۵۷
۳. ارزیابی و سنجش ایمان ۵۷
- اشاره ۵۷
- باورهایی به زیبایی بهشت ۵۸
- صراط مستقیم ولایت ۵۹

- ۶۰ وادی عرضه و سنجش
- ۶۱ ۴. پناه درماندگان؛ آرام بخش گرفتاران
- ۶۱ اشاره
- ۶۱ پناه دل سوختگان
- ۶۲ ۵. رهایی از سرگشتگی و گم شدن
- ۶۲ اشاره
- ۶۳ سخنی از استاد شهید
- ۶۴ تالوهدایت
- ۶۴ ۶. واسطه فیض بودن و روا شدن حاجات
- ۶۴ اشاره
- ۶۵ یک دستور قرآنی
- ۶۶ ۷. برگی دیگر از آثار و برکات
- ۶۶ اشاره
- ۶۶ الف: آموزش گناهان
- ۶۷ ب: شفاعت از زائر
- ۶۷ ج: نجات از سختیهای قیامت
- ۶۸ د: برکات مادی
- ۷۰ پرده پنجم: وظایف ما
- ۷۰ اشاره
- ۷۲ ۱. آشنایی با افکار و اندیشه های آنان
- ۷۲ اشاره
- ۷۲ معرفت، اساس مودت
- ۷۳ ۲. مهرورزی و مودت قلبی
- ۷۳ اشاره
- ۷۴ دعوتی از جانب خدا
- ۷۴ دوستی ذریه بارالسلام نماد دوستی با پیامبر(صلی الله علیه وآله)

سه تعبیر؛ سه معنا	۷۶
۳. مودت عملی و زیارت حضوری	۷۶
اشاره	۷۶
تجدید عهد	۷۷
نگاهی به سیره بزرگان	۷۸
دو خاطره از امام	۸۰
۴. تلاش برای هم‌رنگی و سنخیت	۸۱
اشاره	۸۱
قابل توجه مدعیان!	۸۲
یک نشانه	۸۳
۵. کمک به آبادانی اماکن مقدسه	۸۳
اشاره	۸۳
صیانت از شعائر الهی	۸۴
فرصتی مغتنم	۸۵
۶. پاسداشت آموزه های دینی	۸۶
اشاره	۸۶
تمرین باورهای زیبا	۸۶
۷. بازخوانی و پایبندی به یک اصل	۸۷
پرده ششم: آفات زیارت	۸۸
اشاره	۸۸
۱. امامزاده های خیالی	۹۰
۲. چیرگی سیاحت بر زیارت	۹۱
۳. انتظارات نامعقول	۹۲
۴. ارتکاب گناه	۹۳
۵. تحمیل هزینه های اضافی	۹۴
پرده هفتم: مخالفان زیارت	۹۶

- ۹۶ اشاره
- ۹۸ دشمنان حقیقت
- ۹۹ نقطه آغاز انحراف
- ۱۰۰ گوشه ای از تفکرات وهابیت
- ۱۰۱ تداوم فتنه
- ۱۰۲ ابن تیمیه، دشمن حضرت علی (علیه السلام)
- ۱۰۲ وهابیت، پیروان بنی امیه
- ۱۰۴ پاسخی کوتاه
- ۱۰۵ سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) و بزرگان
- ۱۰۶ وهابی و دانشجوی آگاه
- ۱۰۹ سخن آخر
- ۱۱۰ کتابنامه
- ۱۲۷ درباره مرکز

ضریح های نورانی : پنجم ذی القعدة روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه

مشخصات کتاب

ضریح های نورانی : پنجم ذی القعدة روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه

سازمان اوقاف و امور خیریه

نویسنده رضا اخوی

تابستان 1396 ش

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

فهرست

دیداری متفاوت 9

سه گام برای شروع 31

ستاره های غریب 12

برکات حضور 34

وظایف ما 16

آفات زیارت 97

مخالفان زیارت 78

کتابنامه 101

ص: 5

به هر کجای سرزمین ایران که قدم بگذاریم، حس و حال آشنایی در وجودمان به جوشش می افتد و مغناطیس قلبمان، ما را به میهمانی فرد عزیز و گرانقدری فرا می خواند که بی هیچ توقع و منتی، به یاری و کمک مامی شتابد و رنگ و بوی زندگی را معطر به عطر صفا، معنویت و دلدادگی به پروردگار و برگزیدگان درگاه الهی می نماید.

به واقع، بارگاه های ائمه طاهرین علیهم السلام و امامزادگان بزرگوار، همانند ستاره های درخشانی در آسمان ایران زمین هستند که گرفتاران را نوید گر گشایی و محبان و ولایتمداران را سرمست شمیم ولاء و دوستی با خاندان عترت علیهم السلام می نمایند و یاد آباء و اجداد گرامی خود را زنده و مانا نگه می دارند.

این گرایش قلبی که با عاطفه و احساس شیرین و لذت بخش معنوی همراه است، نمایانگر یکی از زیباترین مبانی فکری شیعه، یعنی تولی و مهرورزی به دوستان خدا و تبری و بیزاری جستن از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام است که جلوه ای از آن، با زیارت قبور اولیای الهی و تبرک جستن به آثار و مقابر شریف آن بزرگواران، به نمایش در می آید.

در این نوشتار، ضمن اشاره به برخی پیش نیازهای زیارت، مسئله چرایی و گستردگی امامزادگان در ایران اسلامی مورد واکاوی قرار گرفته، به وظایف زائران و دستداران ایشان اشاره هایی شده است.

همچنین، آفات این سفر نورانی پیش چشم زائران گرانقدر قرار گرفته تا با کنار زدن این آفتها، زیارتی مالا مال عشق و دلدادگی به انجام برسانند و باتوشه ای از معنویت و سبکبار از غمها و گناهان، به دیار خویش باز گردند. إن شاء الله.

سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی و اجتماعی

ص: 8

زیارت، در لغت به معنای دیدار و سر زدن است؛ اما دیداری است متفاوت و تحول آفرین. از این رو گفته‌اند: زیارت اگر چه دیدار است، ولی این دیدار، مفهومی نهان با خود به همراه دارد که همان رویگردانی از جانبی و گرایش به جانب دیگر است؛ در واقع هرگاه فرد به قصد دیداری می‌رود، در واقع از دیگر امیدواریها و وابستگیها برگشته است(1).

در واقع: زیارت، پیوند قلبی بین زائر و مزور و به سوی دیار یار رفتن و حدیث آشنایی به حضور دوست بردن، قرار گرفتن در قدمگاه فرشتگان الهی و معطر شدن به عطر ناب معنویت و پاکی است.

زیارت؛ قدم گذاردن در حوزه اشراقات الهی و غوطه ور شدن در دریای رحمت و فیض رحمانی است و به دیدار جمال یار مشرف شدن و آئینه تمام نمای خدا را دیدن است.

زیارت، واسطه قرار دادن مقربان و آبرومندان درگاه الهی برای کسب فیض،(2) اعلام وفاداری و اعلان محبت، دلدادگی و دلباختگی به اولیای الهی و پاسخی است به ندای قرآن، برای قرار گرفتن در مدار

ص: 11

1- مقایس اللغه، ابن فارس، ج 3، ص 36.

2- اللهم انی لا اجد سبیلا إلیک سواهم؛ بارالها جز راه اهل بیت طریقی به سوی تونمیابم. المزار، مشهدی، ص 71.

در اصطلاح دینی هم زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور (زیارت شونده) با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. (2)

استاد شهید مطهری نیز، زیارت را فراتر از رابطه دیداری زنده های مادی دانسته و می فرماید: در مذهب، با اولیاء الله از دنیا رفته هم چنین عمل می شود که با زنده، بلکه زنده تر از زنده های معمولی. چون در آن واحد هزارها نفر با او سخن می گویند و درود می فرستند و در عالم ضمیر خود یک ارتباط واقعی برقرار می کنند. به طور کلی بزرگان و خدمتگزاران پس از مرگشان به نوعی تجلیل می شوند، ولی تجلیل غیر دینی صرفاً جنبه اعتباری و تشریفاتی دارد، در حقیقت نوعی تلاعب (بازی و سرگرمی) است... [مانند «زنده یاد» نوشتن برای به یاد ماندن وجود ذهنی یک شخصیت، و از این قبیل است دسته گل نثار قبر کردن، یک دقیقه سکوت کردن، از برابر عکسش رژه رفتن. (3)

ص: 12

1- قل لا أشکم علیه اجرا إلا الموده فی القری. سوره شوری، آیه 23.

2- مجمع البحرین، ج 1، ص 305. واژه زور.

3- یادداشت های استاد مطهری، ج 5، ص 413 و 414.

پرده دوم : سه گام برای شروع

اشاره

ص: 13

برای رفتن نزد مقربان الهی و آبرومندان درگاه خداوند، لازم است یکسری پیش زمینه ها و مقدمات فراهم آید تا زائر بهره و نصیب کاملی از این دیدار معنوی حاصل گرداند و با توشه ای از ایمان و نشاط معنوی باز گردد. برخی از اساسی ترین این پیش نیازها عبارتند از :

گام اول: او را بشناس

اساس حرکات و واکنشهای انسان، به نوع فکر، بینش و شناخت او وابسته است. این اصل، مهمترین نکته در باب زیارت است که مقدار بهره و نصیب انسان زائر از اسفر زیارتی را تعیین خواهد نمود. انسانی که قصد زیارت اماکن مقدسه و قبور والاقدران روزگار و وابستگان به خاندان عترت (علیهم السلام) ملی استان را دارد، لازم است با ظرافت و دقت بیشتری به این سفر بنگرد و بداند که به دیدار چه کسی می رود و با چه کسی سخن خواهد گفت.

بر این باور، یکی از واژه های پرکاربرد در زیارتنامه ها و نیز روایاتی که در باب فضائل زیارت وارد شده است، کلمه «عارفا بحقه» است. بزلفی یکی از یاران حضرت رضا (علیه السلام) می گوید: در نامه امام رضا (علیه السلام) خواندم که فرمود: «أبلغ شیعته إن زیارتی تعدل عند الله عزوجل ألف حجه؛ این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابر می کند. تعجب کردم، از این رو به امام

جواد (علیه السلام) عرض کردم: واقعا با هزار حج برابری می کند؟ فرمود: «أى والله ألف ألف حجه لمن زاره عارفا بحقه؛ آری، به خدا سوگند! با هزار هزار (یک میلیون) حج برابری می کند، اما برای کسی که با معرفت زیارتش کند».(1)

امام رضا عالی همچنین درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) البیان فرمودند: «من زارها عارفا بحقها فله الجنة؛ کسی که فاطمه معصومه را زیارت کند، در حالی که حق او را بشناسد، بهشت برای او است».(2)

انسان مؤمن و عارف به حقیقت ولایت و مقام آن بزرگان، وقتی به محضر اولیا الهی مشرف می شود، با توجه به شناختی که به مقام بلند آنان دارد، دل و دین را یکجا به حضرتش سپرده، به بیشترین فیض ممکن خواهد رسید.

در نقطه مقابل، کسانی هستند که بهره اصلی زیارتشان را تفریح و دیدنیهای مزار تشکیل می دهد و چنان غرق ظاهر و نوع تزیینات و جمالات و منقوشات روی در و دیوار حرمها می شوند که از فرد زیارت شونده و اصل زیارت، به کلی غافل می گردند.

از آیه الله العظمی بهجت (رحمه الله علیه) نقل شده است که در منطقه «جاسب» قم، گروهی از زائران امام هشتم (علیه السلام) هنگام مراجعت از مشهد به پیرمردی برخورد می کنند که در گرمای روز، کوله باری از علف به دوش می کشد. جمعیت با شماتت و سرزنش می گویند: پیرمرد! زحمت دنیا را ول کن نیستی! آخر بیا تو هم لااقل یک بار به مشهد مقدس سفر کن! و این سخن را تکرار و او را بسیار توبیخ می کنند. پیرمرد خسته و پاک دل زبان می گشاید و می گوید: شما که به

ص: 16

1- وسائل الشیعه، ج 10، ص 444.

2- بحار الانوار، ج 99، ص 266.

زیارت آقا رفتید و به آقا سلام دادید، جواب گرفتید یا نه؟ می گویند: پیرمرد! این چه سخنی است که می گویی! مگر آقا زنده است، سلام ما را جواب بدهد! پیرمرد می گوید: عزیزان! امام که زنده و مرده ندارد؛ ما را می بیند و سخنان ما را می شنود؛ زیارت که یک طرفه نمی شود.

آنان می گویند: آیا تو این ممرضه را داری؟ وی می گوید: آری! و از همانجا رو به سمت مشهد مقدس می کند و می گوید: «السلام علیک یا امام هشتم» و همه با کمال صراحت می شنوند که به آن پیر مرد به نام خطاب می شود که: «علیکم السلام آقای فلانی» و بدین ترتیب زائران همگی خجالت کشیده، پشیمان می شوند که چرا سبب دلشکستگی این مرد نورانی را فراهم آوردند. (1)

همه این برکات، زمانی حاصل خواهد شد که زائر نسبت به زیارت شونده شناخت و معرفت کافی و لازم را به دست آورده باشد و با خلوص و پاکی جسم و جان، به درگاه آنان عرض ارادت نماید. لذا در آداب زیارت وارد شده است که: «واخشع لربک واب فان تخشع قلبک ودمعت عیناک فهو علامه القبول والإذن؛ برای پروردگارت خشوع و گریه کن. پس اگر قلبت خاشع و چشمانت اشکبار گردید، پس آن علامت قبول و اذن است». (2)

گام دوم: عاشق باش و شوریده

عاشقی که سر در هوای محبوب داشته باشد، برای رسیدن به او بیقراری نموده، منتظر فرصتی است تا خود را به کوی او برساند. زائر هم باید عاشق باشد و دلباخته کوی دوست تا توفیق زیارت و عشق و شوری در او پدید آید که سختی ها و مشکلات را به جان خریده، عازم دیار دوست شود.

ص: 17

1- کیمیای محبت، ص 182 - 183.

2- بحار الانوار، ج 100، ص 211.

لذا گفته اند: آنکه عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می رود؛ زیرا ممکن نیست کسی عاشق خدا و دوستدار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیه السلام) الستلان امامزادگان، و محب صالحین، صدیقین، شهدا و اولیاء الله باشد و شوق دیدار مزار و مرقد معشوق را نداشته باشد و برای دیدار مزار ائمه و قبور صالحین و امامزادگان، لحظه شماری ننماید!

برای عاشق، نه تنها خود محبوب دیدنی و خواستنی است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه دار است و دلداده را به سوی خود می کشاند؛ لذاست که زائر مشتاقانه خود را به حرم رسانده، بر بارگاه و ضریح مقدس تبرک جسته، بر آن بوسه می زند.

این شعر منسوب به مجنون است که درباره لیلی سروده است:

أم علی الدیار، دیار لیلی * اقبل ذا الجدار و ذالجدارا

وماحب الدیار شغفن قلبی * ولکن حب من سکن الدیارا

یعنی از دیار لیلی می گذرم، همه دیوارها را می بوسم، علاقه به دیار لیلی دلم را تسخیر نکرده است، بلکه آن کسی که در آن سکونت دارد، مرا مفتون خود ساخته است. (1)

گام سوم: جاروب کن خانه را

از دیگر مقدمات و پیش نیازهای لازم برای زیارت رعایت برخی آداب است که از مهمترین آنها، طهارت و پاکی درون و بیرون است. پاکی ظاهر همان داشتن وضو و پوشیدن لباسهای لباس پاک و معطر و آراستگی ظاهر است؛ و پاکی درون، تلاش برای ایجاد سنخیت و نزدیکی درونی با آنان از راههایی همچون دوری از گناه، پوشش مناسب و حفظ حجاب، پاک چشمی و دوری نگاه حرام و مانند آن

ص: 18

است.

اگر به واقع خواستار اثرگذاری زیارت هستیم و اگر صادقانه باور داریم که آن بزرگواران زنده بوده و زائر خود را مشاهده می کنند، باید از ناپاک و آلودگی دوری کرده و با روح و جسمی مطهر و آماده دریافت فیوضات این بزرگواران، گام در صحن و سرای مقدس آنان بگذاریم.

ابی بصیر از شاگردان امام صادق (علیه السلام) می گوید که وارد مدینه شدم.

نیاز به غسل داشتم. در حال رفتن به حمام بودم که در بین راه به عده ای برخورد کردم که قصد زیارت امام صادق (علیه السلام) را داشتند. با خود گفتم: مبادا فیض زیارت را از دست بدهم و دیگران در این فیض از من سبقت بگیرند». بدون آنکه غسل کنم همراه آنها راهی خانه امام شدم. هنگامی که نگاه امام به من افتاد فرمود: «ای ابابصیر نمی دانی که انسان جب نباید به خانه انبیا و فرزندان انبیا قدم نهد»⁽¹⁾.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه سپس مهمان طلب.

ص: 19

1- ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 185.

پرده سوم: ستاره های غریب

اشاره

ص: 21

یکی از مباحثی که آگاهی از آن باعث افزایش معرفت و محبت زائر می‌گردد، دانستن چرایی حجم گسترده حضور امامزادگان در ایران است. در گوشه و کنار ایران و در بیشتر نقاط کشور، شاهد قبه امامزاده ای هستیم که بیشتر آنها از ذریه پاک ائمه اثنی عشر و از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌باشند که به دلایل گوناگون، از وطن اصلی خود کوچ کرده و به سرزمین دیگری رفته‌اند.

در این فرصت به برخی از دلایل آن اشاره گذرایی خواهیم داشت، تا به پاسخ چرایی حضور و نیز علل فراوانی این امامزادگان در ایران دست یابیم و با شناخت و معرفتی که پیدا خواهیم کرد، بیش از گذشته، قدردان آنان باشیم و مقام والای آنان را ارج نهیم. ان شاء الله

1. فضای ناامن برای سادات و فرزندان اهل بیت النار

اشاره

تاریخ به روشنی گویای این واقعیت است که بنی امیه که از آنان به عنوان «شجره خبیثه» در قرآن یاد شده است، (1) همواره مخالف و دشمن سرسخت اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و هر زمان اندک مجالی می‌یافتند و قدرتی به دست می‌آوردند، سختترین فشارها و بدترین نوع فجایع را

ص: 23

1- خداوند در سوره اسراء، آیه 60 می‌فرماید: «و اذ لنا ک إربک أحاط خوفهم فما یزیدهم إلا طغیانا کبیرا این آیه زمانی نازل شد که پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب دید انسانها بوزینه وار بر منبرش بالا می‌روند و لذا از آن ناخرسند شد و شدیداً غمگین گشت، پس خداوند آیه «و ما جعلنا الرؤیا التی..» را نازل فرمود و اینان همان بنی امیه می‌باشند که پس از رحلت حضرت، خلافت را غصب نموده، بدترین ظلمها را مره نور الثقلین، ج 3، ص 180؛ الاحتجاج ص 412-421، الدر المنثور، ج 5، ص 310.

در حق خاندان وحی و رسالت و وابستگان و شیعیان امیر المؤمنین علیمانجام میدادند.

محبت علی، بدترین جرم تاریخ

اگرچه پرداختن علمی و تفصیلی به این بحث خارج از حوصله و نیاز این نوشتار است، اما ضروری است برای آشنایی با فضای موجود در آن برهه از تاریخ، برخی از جنایات که دشمنان دین خدا در حق خاندان عصمت و طهارت و ذریه پاک پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) و فرزندان امیر المؤمنین علیهم السلام روا داشتند، اشاره کنیم و صفحاتی از تاریخ تلخ و دردناک آنان را بازگو نماییم، تا دریابیم که افزون بر جنایات و ظلم و ستمهایی که بر دختر پیامبر حضرت زهرا (سلام الله علیها)، حضرت علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) و دیگر امامان معصوم و مظلوم شیعه وارد ساختند، چه جنایات وحشتناکی درباره سادات، علویون و وابستگان ایشان انجام دادند، به گونه ای که می توان به صراحت بیان کرد که محبت (علیه السلام)، بدترین جرم تاریخ و وابستگی و انتساب به ایشان، گناهی نابخشودنی در نگاه حاکمان ظالم آن دوران به شمار می آمد.

به عنوان نمونه، وقتی «زیاد بن ابیه»، «سمره بن جندب» را به جای خود در بصره گذاشت، در طول شش ماه، هشتاد هزار نفر از دوستان (علیه السلام) را کشتند. جرم آنان فقط دوستی علی بن ابی طالب بود. (1)

یا معاویه در بخشنامه ای نوشت: «انظروالی من قامت علیه البنيه انه یحث علیا و اهل بینه قاموه من الدیوان و اسقطوا اعطائه و رزق؛ هر که را که ثابت شد از دوستان و شیعیان علی و اولاد او است، اسم او را از دیوان قلم بکشید و حقوق و مزایای او را قطع کنید». (2)

ص: 24

1- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج 3، ص 229.

2- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 11، ص 45.

سختگیرهای حاکمان و نیز تبلیغات مسموم بر ضد حضرت علی (علیه السلام) و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به اوضاع را به گونه ای سخت و طاقت فرسا کرده بود که کسی جرأت نداشت نام فرزند خود را «علی» بگذارد و حتی بنی امیه قانونی وضع کردند که اگر فرزندی در حکومت اسلامی به دنیا آمد و اسم او را «علی» گذاشتند، نوزاد را بکشند. (1)

اوضاع به گونه ای بود که برخی افراد از همنامی با مولای متقیان (علیه السلام) احساس ناخوشایند داشته، آن را لکه ننگی برای خود به شمار می آوردند. می گویند شخصی به نام «علی بن جهم»، پدرش را لعن و نفرین می کرد که چرا اسمش را «علی» گذاشته است! (2)

صفحاتی از تاریخ

خشونتها و ظلم و ستمهای باور نکردنی آن دوران به گونه ای بود که مطالعه ظلمهای روا داشته شده بر مردم و به ویژه شیعیان و منتسبان به خاندان وحی و رسالت، ترسیم کننده چرایی هجرت سادات و امامزادگان به دیگر مناطق و از جمله ایران است. به عنوان مثال: «شفیان بن عوف غامدی» از طرف معاویه با لشکری مجهز به طرف فرات هجوم برد و با این حمله وحشیانه، چنان به پیروان علی (علیه السلام) حمله ور شد که خانه ها و کوچه ها را از کشتگان مملو ساخت. (3)

همچنین «بشر بن ارمات» در هجوم وحشیانه خود به مدینه، حدود سی هزار نفر را کشته و عده ای را با آتش سوزاند، خانه های زیادی را ویران نمود و دختران بسیاری از ناحیه سپاه او مورد تجاوز قرار گرفتند. (4)

ص: 25

1- «کان بنو أمیه إذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه». الغدير، علامه امینی، ج 10، ص 287؛ تهذیب التهذیب، ج 7، ص 281.

2- «کان یلعن أباه، لم سماه علیا». لسان المیزان، ج 4، ص 210.

3- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 44 طبع قدیم؛ الامام (علیه السلام)، احمد رحمانی همدانی، ص 925.

4- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 17، الغارات، ثقفی، ج 2، ص 460.

جرم آنان، شیعه بودن، محبت علی (علیه السلام) در دل داشتن و انتساب به علی (علیه السلام) و زهرا (علیها السلام) نبود؛ قانونی رسمی که اعلام کردند: و اقل شیعه علی حیث كانوا؛ هر جا از شیعیان علی (علیه السلام) دیدی، او را بکش. (1)

آل علی (علیه السلام)، آل مظلومان

در آن زمان، کوفه مرکز تجمع شیعیان بود. عبد الملک مروان به قصد ریشه کن کردن تشیع از کوفه، «حجاج» که فردی خونریز، بی رحم و ضد شیعه بود را به آنجا فرستاد.

امام محمدباقر (علیه السلام) در ترسیم فضای شیعیان آن دوران فرمود: شیعیان ما را در هر شهری به دست می آوردند، میکشند و دست و پاها را به گمان شیعه بودن، قطع میکردند و کسی که نامش به دوستی ما آشکار میشد، زندانی میشد و یا اینکه مالش غارت شده و یا اینکه خانه او خراب میگردد. این بلاها روز به روز شدت پیدا میکرد و تا زمان عبیدالله بن زیاد که امام حسین (علیه السلام) را کشت، ادامه داشت.

امام باقر (علیه السلام) سخنان خود را چنین ادامه دادند: ثم جاء الحجاج فقتله - یعنی الشیعه - قتله، و أ هم بكل ظئه و تهمة، حتی إن الرجل یقال له زندیق أو کافر أحب إلیه من أن یقال له شیعه علی علیه السلام؛ پس از آن «حجاج بن یوسف ثقفی» آمد و شیعیان را میکشت و به گمان و تهمت شیعه بودن، زندانی و شکنجه میکرد. آن قدر وضع شیعه و دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) اتلان خطرناک بود که اگر به کسی میگفتند: تو کافر هستی، بهتر دوست میداشت تا اینکه به او بگویند شیعه علی (علیه السلام) هستی». (2)

«حجاج» نه تنها شیعیان امیر مؤمنان (علیه السلام) همانند «سعید بن جبیر»

ص: 26

1- شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 6.

2- همان، ج 11، ص 43.

و «کمیل بن زیاد» را به شهادت رساند، بلکه به گفته مورخان، تعداد کسانی که در مدت بیست سال فرمانروایی حجاج با شمشیر دژخیمان وی یا زیر شکنجه جان سپردند، صد و بیست هزار نفر بود! و تازه این عده غیر از کسانی بودند که ضمن جنگ با حجاج به دست نیروهای او کشته شدند.

هنگام مرگ حجاج، در زندان مشهور وی (که از شنیدن نام آن لرزه بر اندامها می افتاد) پنجاه هزار مرد و سی هزار زن زندانی بودند که شانزده هزار نفر آنها عریان و بی لباس بودند! حجاج، زنان و مردان را یک جا زندانی می کرد و زندانهای وی بدون سقف بود از این رو زندانیان از گرمای تابستان و سرما و باران زمستان در امان نبودند. (1)

شهادت غلام حضرت علی (علیه السلام)

قنبر، غلام حضرت علی (علیه السلام)، از جمله کسانی است که به دست حجاج به شهادت رسید. حجاج، به بعضی از نزدیکان خود می گوید: دوست دارم به یکی از اصحاب و یاران ابوتراب علی (علیه السلام) دست پیدا کنم. به او گفتند: ما از قنبر کسی را به علی (علیه السلام) نزدیکتر نمی دانیم. حجاج، کسی را به دنبال او فرستاد و او را نزد حجاج آورد، حجاج به او گفت، تو قنبری؟ گفت: آری! حجاج گفت: از دین علی تبری بجوا

قنبر گفت آیا تو می توانی مرا به بهتر از دین علی (علیه السلام) راهنمایی کنی؟

حجاج گفت: من تو را خواهم کشت. کدام قتلی برای تو محبوب تر است، آن را انتخاب نما؟

قنبر در جواب گفت، مرا امیر المؤمنین خبر داده است که بی گناه،

ص: 27

1- مروج الذهب، مسعودی، ج 3، ص 166 و 167؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص 249.

ذبح خواهم شد. حجاج نیز، دستور داد تا سر او را مانند گوسفند از تن جدا نمایند. (1)

در هر حال، حجاج در مدت فرمانداری خود، بسیاری از شیعیان و اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به شهادت رسانید و تعداد بسیاری را نیز زندانی و شکنجه نمود. دشمنی او با اهل بیت علیهم السلام و شیعیان به گونه ای بود که می گویند او دستور می داد موقع غذا خوردن، شیعیان را در کنار سفره او، مقابل چشمش سر ببرند و آهن قرمز شده ای را به جای رگهای بریده گردن آنها بگذارند، تا خون قطع شود و بدنها در اثر قطع شدن خون، بالا و پایین روند و آن ملعون غذا بخورد و لذت ببرد؟

دوره جدید آزار و شکنجه

آنچه گفته شد، تنها گوشه هایی از قساوتها و شقاوتهای بنی امیه در حق اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود که تاریخ توانسته ثبت و ضبط نماید. در هر صورت، هنوز مفاسد، فجایع و مظالم دودمان منحوس بنی امیه تمام نشده بود که نوبت ریاست «بنی عباس» فرارسید.

در این دوره نیز آل علی (علیه السلام) همواره در زجر و حبس به سر برده و اولاد فاطمه زهرا (علیها السلام) السستان از محل سکونت خویش مهجور و تبعید گردیده و مسموم یا مقتول می گشتند. به عنوان مثال، در دوران خلافت «منصور دوانیقی»، وی عده ای از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) را دستگیر کرد و دستور داد آنان را با غل و زنجیر داخل کجاوههای بدون سرپوش و فاقد فرش سوار کنند، سپس این بزرگان را در زیر زمینی حبس نمودند که در آن تشخیص شب از روز امکان پذیر نبود و این محبوس شدگان، ناگزیر قرآن را پنج قسمت کرده و بعد از خواندن

ص: 28

1- الشیعه والحاکمون، ص 95، به نقل از شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص 57-92.

یک قسمت از آن، یکی از نمازهای پنجگانه را اقامه می نمودند. این ذراری رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در شرایط بسیار ناگوار سیاهچالها از شدت بیماری، گرسنگی و تشنگی جان می دادند.

شهادت جوان هاشمی

منصور به اعتراف خودش، متجاوز از هزار نفر از اولاد علی (علیه السلام) را کشت و تعداد شیعیانی که به قتل رسانیده، به حساب نیامده است.

او در یکی از رفتارهای خود با خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) یکی از اولاد امام حسن (علیه السلام) را احضار کرد و فرمان داد لباسهای او را پاره کرده و 150 تازیانه بر وی زدند که یکی از آنها بر چشم این جوان هاشمی خورد و آن را از جا کند و بر صورتش آویخت، سرانجام این سید بزرگوار به شهادت رسید. (1)

داستانی از جنایات هارون الرشید

هنگامی که هارون الرشید بر مسند خلافت تکیه زد، سیاستش نسبت به فرزندان علی (علیه السلام) و پیروانش این بود که فرزندی از علی (علیه السلام) روی زمین باقی نماند. حمید بن قحطبه می گوید: وقتی که هارون در طوس بود شبی مرا خواست. وقتی نزد او رفتم دیدم شمعی نزد او می سوزد و شمشیر برهنه ای نزد اوست و خادمی در کنارش. وقتی مرا دید گفت: چگونه است اطاعت تو از من؟ گفتم: به جان و مال تو را اطاعت می کنم. لحظاتی سر به زیر انداخت و به من اجازه برگشتن داد. وقتی به خانه رسیدم دوباره پیک او به دنبالم آمد و من نزد خلیفه برگشتم. باز پرسید چگونه است اطاعت تو؟ گفتم: فرمانبردار تو از جان و مال و زن و فرزند هستم. او تبسمی کرد و اجازه مرخصی داد.

ص: 29

1- مروج الذهب، مسعودی، ج 2، 3؛ شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، ص 17؛ عقد الفرید، قرطبی، ج 1، ص 41.

تا داخل خانه شدم باز فرستاده اش مرا خواست. نزد او رفتم: پرسید اطاعت تو از ما چه اندازه است؟ گفتم: تورا اطاعت می کنم در جان و مال و زن و فرزند و دین خود.

او تا این پاسخ را شنید خندید و گفت: این شمشیر را بگیر و به آنچه این خادم گفت، عمل کن.

خادم شمشیر را به من داد و مرا به خانه ای آورد و قفل را باز کرد.

وقتی داخل شدیم، چاهی دیدم که در صحن خانه کنده اند. سه اتاق در بسته هم آنجا بود در یکی را باز کرد، دیدم بیست نفر از پیران و جوانان و کودکان که گسیوها و کاکل ها داشتند نشانه سیادت [همه در بند و زنجیر هستند و همه از فرزندان امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه علیه السلام هستند. آن خادم گفت: که خلیفه از تو خواسته اینها را گردن بزنی. پس یک یک را بیرون می آورد و من در کنار چاه ایشان را گردن می زدم تا آنکه همه را گردن زدم و او سرها و بدنها را در چاه انداخت. آن گاه در اتاق دوم را گشود، آن جا نیز بیست نفر بودند، آنها را هم گردن زدم. در اتاق سوم هم بیست نفر بودند، آنها را هم کشتم تا این که نوبت نفر بیستم شد، مرد پیری بود. گفت: دستت بریده بادای ملعون! چه عذر خواهی داشت نزد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی از تو پرسد چرا شصت نفر از فرزندان بی گناه مرا کشتی؟ تا این سخن را شنیدم بر خود لرزیدم خادم پیش آمد و فریاد زد که چرا معطلی؟! من او را نیز گردن زدم. (1)

بنابراین، وجه مشترک فرمانروایان بنی عباس بانی امیه، سختگیری، شکنجه و قتل اولاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود و آنان نیز علاوه بر به شهادت رساندن امامان علیهم السلام و جانشینان راستین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) قیامهای سادات و علویان را که با هدف مبارزه با ستم، نهی از منکر و ترویج

ص: 30

فضیلت صورت می گرفت، به شدیدترین وجه سرکوب نمودند و فرزندان و نوادگان و اصحاب ائمه بزرگوار را در بدترین سیاهچالها محبوس ساخته، آنان را با شکنجه و آزارهای دیگر شهید نموده و بسیاری از آنان را نیز تبعید نمودند. (1)

مجموعه این حوادث تلخ و جانکاه، باعث هجرت بسیاری از امامزادگان به دیگر مناطق و از جمله ایران گردید.

2. امنیت مناطق ایران

بر اثر مظلوم و فجایع نامحدود و گسترده عباسیان و پیش از آنها امویان - که بخش هایی از آنها در صفحات پیشین اشاره شد دودمان شریف نبوی و سادات عظام، آنهایی که توانستند جان به سلامت بدر ببرند، پنهانی و در تاریکی شبها خود را از مقر خلافت دور می کردند و به طور ناشناس، به اطراف کشور اسلامی پراکنده می گردیدند.

در این میان، جغرافیای خاص مناطق مختلف ایران و نیز به دلیل دور بودن ایران از دسترس حکومتها، باعث مهاجرت آن بزرگواران بدین مناطق شد.

3. ایرانیان؛ شیفتگان اهل بیت (علیهم السلام)

اشاره

شاید اصلی ترین عاملی که امامزادگان را به هجرت به سوی ایران کشاند، حسن ظن و تعریف و تمجیدهایی بود که در مناسبتهای مختلف، در سیره و سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله) امیر مؤمنان (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) بارها بیان و تکرار شده بود و پیشوایان دین و آباء و اجداد گرامی آنان، از ایرانیان به عنوان مردمی شیفته و محب اهل بیت (علیهم السلام) یاد کرده بودند و اینکه ایرانیان، علاوه بر ارادت قلبی و گرایش فطری به اهل بیت (علیهم السلام)،

ص: 31

1- نک: خط امامت و طوفانهای بنی عباس، نشریه مبلغان، ش 173.

در آینده نیز نقش بسزایی در تاریخ اسلام، شناساندن حقانیت دین و دفاع از تشیع و زمینه سازی برای ظهور حضرت حجت (علیهم السلام)، در راستای تشکیل مدینه فاضله مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ایفا خواهند نمود.

این تمجید و ستایش از ایرانیان، مصداق عینی و روشنی نیز داشت؛ روزبه که بعد به «سلمان فارسی» تغییر نام داد، از اولین کسانی بود که در آغازین روزهای طلوع اسلام در جزیره العرب، خود را به پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) رساند و در محضر ایشان، درجات کمال و معنویت را پیمود و به عنوان سربازی دلباخته و از شیعیان و محبین خالص (علیه السلام)، ایلام خود را وقف آیین اسلام و دفاع از حق و حقیقت نمود و در مراحل مختلف، منشأ خدمات فراوان گردید.

سلمان در این راه آنقدر از خود لیاقت نشان داد، تا مدال افتخار السلیمان ما اهل البیت را به خود اختصاص داد⁽¹⁾ و سلمان محمدی (صلی الله علیه وآله) لقب گرفت.

از نسل سلمان

حضور «سلمان»، فرصت و بستر خوبی برای نشان دادن جایگاه ممتاز ایرانیان بود و پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مناسبت بهای گوناگون، بر شخصیت معنوی و تحول آفرین ایرانیان اشاره می نمودند. روزی اصحاب در حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله) نشستند که این آیه نازل شد: «و آخرین من هم لما یلحقوا بهم وهو العزی الحکیه؛ و دیگرانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و خداوند شکست ناپذیر و داناست»⁽²⁾.

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آن مردمی که خداوند دربارهی آنان

ص: 32

1- سیره ی ابن هشام، ج 2، ص 224؛ سلمان فارسی، جعفر مرتضی، ص 14.

2- سوره جمعه، آیات 3-4.

وعده فرموده که بعد به اسلام ملحق خواهند شد، چه کسانی هستند؟

حضرت، دست مبارکش را بر پشت سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند که اگر اسلام در آسمان و در ستاره‌ی ثریا باشد، مردمان قوم سلمان به آن ایمان خواهند آورد و بدان خواهند پیوست»⁽¹⁾

همچنین وقتی آیه‌ی «فإن يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها وماليشوا بها بكافرين؛ اگر آنان به اسلام و قرآن کافر شوند، ما آن را به قومی که بدان کافر نیستند واگذار می‌کنیم»⁽²⁾ نازل شد، اصحاب از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسیدند: آنها چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمود: «القوم بالشيعة او اولاد العجم؛ شیعیان و فرزندان عجم [ایرانیان]»⁽³⁾.

نیز هنگام نزول آیه‌ی: «إن يشأ يذهبكم ايها الناس ويأت بآخرين و كان الله على ذلك قدير؛ ای مردم! اگر به خدا ایمان نیاورید و تقوا پیشه نکنید، خداوند شما را می‌برد و قوم دیگری را به جای شما می‌آورد که مؤمن و پرهیزگارند و خداوند بر هر چیز تواناست»⁽⁴⁾

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در پاسخ اصحاب که یا رسول الله! آن قوم کهن چه کسانی هستند؟، فرمودند: «آنان قوم و مردم سلمان فارسی هستند که دین خدا را یاری می‌کنند و اسلام را در شرق و غرب عالم گسترش می‌دهند»⁽⁵⁾

در روایتی دیگر، خاتم رسولان الهی فرمودند: «أعظم الناس تنصيباً في الاسلام أهل الفارس؛ نصیب و بهره ایرانیان در اسلام، از همه ملت

ص: 33

1- صحیح مسلم، ج 7، ص 192.

2- سوره انعام، آیه 189.

3- بحار الانوار، ج 24، ص 309.

4- سوره نساء، آیه 133.

5- تفسیر المیزان، ج 5، ص 106.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) که به فرموده قرآن: «و ما یطق عن الهوی؛ و (پیامبر) از روی هوا و هوس سخن نمی گوید»، (2) به یقین، بر اساس شایستگی های ایرانیان به بیان چنین تمجیدهایی پرداخته و پس از ایشان نیز، محبت و احترام ائمه هدی علیهم السلام نسبت به شیعیان و مردم ایران ابراز گردیده است تا از این طریق، هم آنان را به عنوا دوستداران اهل بیت علیهم السلام معرفی نمایند و از سوی دیگر، به نقش آنان در ترویج اسلام حقیقی و پایه گذاری تمدن نوین اسلامی در آینده، اشاره نمایند.

این تعریف و تمجیدها در زبان مبارک دیگر معصومین علیهم السلام نیز جریان داشت و آنان نیز با دیده احترام و عزت به ایرانیان نگریسته و در وصف ایمان آنان، سخن گفته و به این نکته اشاره نموده اند که در آینده، پاره های تن اهل بیت علیهم السلام و فرزندان علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) در مناطق مختلف ایران به خاک سپرده خواهند شد و مزارشان مأمن و ملجأ و محل زیارت آنان خواهد شد. از جمله این روایات، احادیثی است که درباره بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، شاه عبدالعظیم و مانند آن نقل شده است.

نگاهی به چند روایت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره شهادت امام رضا (علیه السلام) در ایران فرمود: «دف بضعه منی براسان لا یثورها مؤمن إلا أوجب الله له الجنة و حرم جسده علی النار؛ بهزودی پاره ای از تن من در خراسان دفن می شود، مؤمنی او را زیارت نمی کند، مگر آنکه بهشت برای او واجب و بدنش

ص: 34

1- کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 90، شماره 34126؛ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج 3، ص 2390.

2- سوره نجم، آیه 3.

بر آتش حرام می شود» (1).

حضرت علی (علیه السلام) نیز به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «ستدفن بضعه منی براسان، ما زارها مکروب إلا الله کر به ولا مذنب إلا غفر الله له ذنوبه؛ به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن می شود، هیچ غمگینی او را زیارت نمی کند جز آنکه غمش برطرف می شود، و گناهکاری او را زیارت نمی کند جز آنکه خداوند گناهان او را می بخشد» (2).

روزی امام موسی کاظم (علیه السلام) در جمع فرزندان خود نشست و فرزندش [علی که تازه جوانی بود، بر او گذر کرد. حضرت فرمود: «این ابنی هذا یموت فی أرض محبه فمن زاره مسلماً لأمه عارفاً بحقه کان عند الله عوجل کشهداء بدر؛ به راستی این پسر من در سرزمین غربت از دنیا می رود، پس هر کسی او را زیارت کند، در حالی که تسلیم امامت او و آگاه به حق اوست، در نزد خدا اجر شهدای بدر را دارد» (3).

آشیانه آل محمد (صلی الله علیه وآله)

در مورد حضرت معصومه (علیها السلام) و قم به عنوان پایگاه شیعیان و آشیانه آل محمد (علیها السلام) نیز، روایات متعددی نقل شده است که به ذکر چند نمونه بسنده می نمایم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إن لله خرما وهو مک وللرسول ما هو المدینه، ولأمیر المؤمنین ما هو الکوفه وتناما وهوم وتمتد فیها امرأه من ولدی بنی فاطم، من زارها وجبت له الجه؛ برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله

ص: 35

1- بحارالانوار، ج 102، ص 31، ح 1؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 14، ص 555.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 553؛ بحارالانوار، ج 102، ص 33، ح 10.

3- کامل الزیارات، ابن قولویه، ج 5، ص 304؛ بحارالانوار، ج 102، ص 41، ح 43؛ مستدرک الوسائل، میرزای توری، ج 10، ص 356.

علیه و آله حرمی است و آن مدینه است و برای امیر مؤمنان علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن می شود که نامش «فاطمه» است؛ هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد». (1)

آن حضرت همچنین فرمودند: «الا محرمی و حرم ولدی بعدی قم؛ آگاه باشید که حرم و حرم فرزندان بعد از من قم است». (2)

نقل شده است که پنجاه سال پیش از تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها)، گروهی از شیعیان ری خدمت امام صادق (علیه السلام) رفتند. حضرت با دیدن آنها فرمود: «آفرین بر برادران قمی ما».

گفتند: آقا، ما اهل ری هستیم.

امام باز به اهل قم آفرین گفت و فرمود: «برای خداوند حرمی است که مکه است. حرم رسول خدا، مدینه، حرم امیر مؤمنان کوفه و حرم من و فرزندانم قم است. آگاه باشید، بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است. بانویی از فرزندان من در آن جا وفات میکند که نامش فاطمه دختر موسی است. همه شیعیان ما به شفاعت او، وارد بهشت می شوند». (3)

امام کاظم (علیه السلام) ما نیز درباره جایگاه و منزلت معنوی قم برای شیعیان امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: قم عش آل محمد و ماوی شیعتهم، قم آشیانه آل محمد و جایگاه پیروان آنان است». (4)

ثامن الحجج، امام رضا (علیه السلام) نیز پیرامون خواهر گرامی خود فرمودند: «من زار المعصومه بقم کمن زارنی؛ آنکه معصومه را در قم

ص: 36

1- بحار الانوار، ج 102، ص 265.

2- بحار الانوار، ج 60، ص 216.

3- بحار الانوار، ج 60، ص 228، جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 617.

4- بحار الانوار، ج 60، ص 218.

زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است».(1)

و امام جواد (علیه السلام) فرمود: «من زار قبر عمتی بقم فله الجنة؛ کسی که قبر عمه مرا در قم زیارت کند، بهشت برای او است».(2)

مرا به قم ببرید؟

با توجه به این گونه توصیفات، قم برای آل علی (علیه السلام) محل امن و در زبان ائمه (علیهم السلام) آشیانه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و پناهگاه ایشان معرفی شده بود و از طرفی، قم از لحاظ موقعیت جغرافیائی آن زمان در محل دوردستی واقع بود که دست کمتر کسی به آنجا می رسید، لذا اکثر سادات به آنجا پناه می آوردند تا جایی که وجود 444 امامزاده را در این شهر مقدس برشمرده اند.(3)

بر این باور، حمایت مردم از امامزادگان، علت کثرت و گستردگی حضور ایشان در ایران است؛ همانگونه که در سال 201 هجری قمری، یک سال پس از سفر تبعید گونه امام رضا (علیه السلام) به شهر «مرو»، کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام همراه عده ای از برادران خود برای دیدار و تجدید عهد با امام زمان خویش به سوی دیار غربت راهی شدند.

هنگامی که کاروان به شهر «ساوه» رسیدند، عده ای از مخالفان اهل بیت (علیهم السلام) با ماموران حکومتی همراه شدند و آنان را مورد هجوم قرار دادند. در این هجوم کینه توزانه، عده ای از همراهان حضرت معصومه (علیها السلام) به شهادت رسیدند و خود حضرت بیمار شدند. در این هنگام پرسیدند: از این مکان تا قم چقدر راه است؟ پاسخ دادند: ده فرسنگ.

حضرت فرمودند: مرا به قم ببرید، چرا که از پدرم شنیدم «شهر قم

ص: 37

1- ریاحین الشریعه، ج 5، ص 35؛ نسخ التواریخ، ج 3، ص 68.

2- کامل الزیارات، ص 324.

3- ماهنامه کوثر، ش 12، ص 65 و 66.

مرکز شیعیان ماست». آن گاه حضرت را به طرف قم حرکت دادند و مردم قم که از این خبر مسرت بخش بسیار خرسند شده بودند، به استقبال حضرت آمدند. در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ خاندان اشعری «زام شتر آن مکرمه را می کشید، در میان شور و احساسات مردم، وارد آن شهر شدند و در منزل «موسی بن خزرج» که امروزه به محله میدان میر معروف است، نزول اجلال نمودند. (1)

همانند حسین (علیه السلام)

در مورد فضیلت زیارت مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) نیز به ذکر این روایت اکتفا می نمایم که نقل شده مردی از اهل ری، خدمت امام هادی (علیه السلام) رسید. امام از او پرسیدند: کجا بودی؟

گفت: به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) رفته بودم.

حضرت فرمودند: «بدانکه اگر قبر عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) را زیارت کنی، گویا حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کرده‌ای». (2) از این رو در فرازی از زیارتنامه ایشان چنین میخوانیم... السلام عليك يا من بزيارته ثواب زياره سيد الشهداء يترتجى.

4. سفر امام رضا (علیه السلام) به ایران

اشاره

از عواملی که سبب حضور امامزادگان در نقاط مختلف ایران شد، حضور امام رضا علیه السلام در ایران و دعوت از ذریه پاک رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و باقی ماندگان سلاله طیب و طاهر علوی و فاطمی علیهم السلام بود که در پرتو این حضور و با توجه به ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) فضای جامعه برای ترویج فرهنگ تشیع، مساعد تشخیص داده می شد، به ویژه آنکه «مأمون عباسی»، در ظاهر به خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) ابراز

ص: 38

1- سفینه البحار، ج 2، ص 376؛ بحار الانوار، ج 60، ص 219.

2- کامل الزیارات، ص 324.

ارادت می کرد و خود را دوستدار ایشان جلوه می داد.

بر این اساس، پس از تحمیل ولیعهدی به امام رضا (علیه السلام) توسط مأمون(1) و هجرت اجباری ایشان به ایران، امام رضا (علیه السلام) از این فرصت استفاده کردند و نامه ای به سادات مدینه نوشتند و آنان را به ایران دعوت نمودند. به دنبال این نامه، تعداد زیادی از سادات و وابستگان و شیعیان حضرت، به دنبال امام و رهبر خویش حرکت کردند و تلاش کردند خود را به ایشان برسانند.(2) از جمله کسانی که به سمت ایران حرکت کردند، حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) البنا در قالب کاروان 400 نفره و علی بن موسی (علیه السلام) معروف به شاهچراغ، در قالب کاروان 700 نفره بود.(3)

ناکامی های مأمون

پس از آنکه نقشه های مختلف مأمون برای همراهی امام رضا (علیه السلام) با حکومت در راستای تخریب شخصیت معنوی و سلب اعتبار و نفوذ اجتماعی آن حضرت نقش بر آب شد و نه تنها از صولت الهی و خدایی امام رضا (علیه السلام) کاسته نشد، بلکه با پیروزی و سرفرازی در

ص: 39

1- ریان گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم مردم می گویند شما با این که اظهار بی رغبتی به دنیا می کنید ولایتعهدی را پذیرفته اید؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: «قد علم الله کراهتی لذلك، فلما خیرت بین قبول ذلک و بین القتل اخترت القبول علی القتل. خداوند خود می داند که من این امر رانا پسند می داشتم، ولی چون بین پذیرش آن و مرگ معیر شدم، قبول آن را بر مرگ ترجیح دادم». عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 139.

2- تعداد این افراد را دوازده هزار و ششصد هفتاد و سه نفر نوشته اند. (جامع الانساب، ص 17).

3- نک: تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ص 162.

جلسات مناظره، ماجرای نماز باران، (1) نماز عید فطر (2) و مانند آن، بر عزت و شخصیت ایشان افزوده شد، در این هنگام بود که مأمون احساس خطر کرد؛ زیرا یقین پیدا کرد که نیرنگهایش بی رنگ شده و نه تنها به اهداف خود نرسیده، بلکه جذب معنوی و ملکوتی امام رضا (علیه السلام)، روز به روز بیشتر شده و مردم را به سمت خویش جذب می نماید.

افزون بر آن، دعوت از سادات و علویان و حضور آنان در ایران، می توانست خطری غیرقابل تصور برای تاج و تخت او به شمار آید، از این رومأمون، تصمیم نهایی خود را اتخاذ کرد و ضمن به شهادت رساندن امام علی دستور قتل بستگان آن حضرت را نیز صادر نمود و در نامه های متعدد، عمال خود را به لشکرکشی و جنگ با امامزادگان فرمان داد که در نتیجه این دستور، جنگهای سختی میان مأموران مأمون از یک سو و امامزادگان و کاروانیان از سوی دیگر، در گرفت و عده ای زیادی

ص: 40

1- ماجرا از این قرار بود که پس از بیعت گرفتن برای امام رضا (علیه السلام)، باران کم شد و خشکسالی پدید آمد. مردم کمی باران را در اثر این ولایتعهدی پنداشتند. مأمون از امام خواست تا نماز استسقاء بخواند. حضرت روز دوشنبه را برای خواندن نماز تعیین کردند. حضرت روز دوشنبه از خانه خارج شدند و پس از نماز و دعا از خدای خواستند که باران رحمترا بر مردم فرو فرستد، اما تا موقع رفتن به خانه هایشان باران نبارد. آن گاه از منبر پایین آمدند و به خانه برگشتند. همین که مردم به خانه های خود رسیدند، بارش باران شروع شد. در اثر این کرامت حضرت، بر عزت و عظمت ایشان افزوده شد.

2- مردم مرو (خراسان) با شنیدن این خبر که حضرت رضا علی (علیه السلام) برای نماز عید به مصلا می روند، از منازل خود خارج شده در کنار راه ها نشستند و منتظر آمدن آن حضرت شدند. زنان و کودکان، پشت بام ها در انتظار مقدم او بودند، تمام فرماندهان لشگر و رجال کشور از هر صنف و طبقه درب منزل امام (علیه السلام) اجتماع کردند و نسبت به آن حضرت اظهار علاقه و محبت کردند. با خواندن اذکار مخصوص عید فطر و همراهی مردم، فضای معنوی و ملکوتی خاصی ایجاد شد، در این هنگام چنان ضجه و شیونی از مردم بلند شد، که گویا در دیوار شهر مرو تکان می خورد، و مردم از دیدن آن حضرت همچنان فریاد بر می آوردند. رجال مملکت و بزرگان لشگر چون مشاهده کردند حضرت رضا پا برهنه حرکت می کند، آنان نیز از مرکبهای خود پایین آمده و کفش های خود را به دور افکندند و پای اینجا بود که مأمون و مشاورانش احساس کردند اقامه این نیاز و ایراد خطبه به وسیله امام ممکن است حکومت وی را به خطر اندازد؛ زیرا آنان هرگز فکر نمی کردند، امام این گونه در میان مردم حتی رجال کشور و فرماندهان لشگر دارای محبوبیت ویژه باشد. لذا دستور داد تا امام از اقامه نماز منصرف شود، تا بدین وسیله خود و حکومتش را از خطرات احتمالی حفظ نماید. (کافی، ج 1، ص 488-490، ح 7).

از سادات عظام شهید و مابقی هم به اطراف و اکناف متفرق گشتند.

سرانجام دو کاروان

با شهادت امام رضا (علیه السلام)، بار دیگر اوضاع بر سادات و امامزادگان سخت شده بود و مأموران حکومتی جلوی حرکت این کاروانها را گرفته، به مقابله با اینان میپرداختند. از جمله این کاروانها، کاروان حضرت معصومه (علیها السلام) بود که در درگیری با مأموران حکومت، 23 نفر از آنان شهید و تعداد زیادی مجروح شدند و خود حضرت نیز بیمار و ورنجور گردیدند و پس از هفده روز، در شهر قم وفات یافتند.

حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) برادر امام رضا (علیه السلام) و معروف به شاهچراغ نیز که با هفتصد تن از برادران و برادرزادگان و جماعت کثیری از دوستان از مدینه حرکت کرده بودند، وقتی به دوفرسخی شیراز رسیدند، خبر شهادت امام رضا (علیه السلام) به آن نواحی رسید و از آنجا که مأمون به تمامی حکام و مال قلمرو خود نوشته بود که در هرکجا از آل ابوتراب بیابند، به قتل برسانند؛ از این رو «قتلغ خان»، فرماندار مأمون در شیراز، به مقابله با حضرت پرداخت. پس از چند نوبت جنگ، گروه بسیاری از همراهان سید احمد (علیه السلام) را با خود آن حضرت در شهر شیراز شهید کردند و بقیه سادات هم متفرق شدند، تا سرانجام هر یک از آنان را در محلی شهید نمودند و بسیاری از آنها نیز به شهرهای دوردست طبرستان و دیلمان (حدود گیلان و مازندران) فراری شدند⁽¹⁾ و حتی گفته می شود بیشتر امام زادگانی که در شهرهای گوناگون ایران مدفون هستند، جز همین قافله هستند. والله العالم.

در هر صورت، یکی از دلایل وجود بارگاه های پراکنده و متعدد امامزادگان در همه جای ایران، به خصوص در ری، قم، تفرش،

ص: 41

1- نک: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیر الدین مرعشی، ص 278؛ آرامگاه های خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه وآله) و بزرگان صحابه و تابعین، کمونه حسینی، ص 160.

خراسان، شمال ایران و دیگر مناطق، حضور امام رضا (علیه السلام) در ایران و تلاش برای رسیدن به امام رضا (علیه السلام) بوده است که البته با دشمنی های صورت گرفته، آن بزرگواران، همانند ستاره هایی غریب، به نقاط مختلف ایران پراکنده شدند.

ص: 42

پرده چهارم: برکات حضور

اشاره

ص: 43

اگر چه برکات گسترده مادی و معنوی بقاع متبرکه و حرم شریف امامزادگان بر کسی پنهان نیست و هر زائری به فراخور حس و حال معنوی خویش، تجربه های گرانمایی از این اماکن مقدس دارد، اما برای یادآوری این مهم، برخی از این برکات را مرور می نمایم.

1. بازخوانی و یاد آوری فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام

اشاره

چشمه در مسیر حرکت و جوشش خود به چندین جویبار تقسیم می شود تا افراد بیشتری جان و دل در آن بشویند و از زلال آن سیراب گردند.

ائمه (علیهم السلام) سر چشمه های هدایت بشر هستند و امامزادگان، همانند جویبارهای کوچک و بزرگی که در گذر زمان از آن منشعب شده، در مکانهای مختلفی ساکن شده اند تا ضمن یادآوری و راهنمایی به سرچشمهی اهل بیت (علیهم السلام) استان محبان و تشنگان، از زلال عرفان ناب موجود در خاندان اهل بیت (علیهم السلام) سیراب گردند و با تمسک به این امامزادگان، فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام را پاس دارند.

زالال معرفت

به عبارت دیگر: امامزادگان و منسوبان به عترت طاهره (علیهم السلام) متصل به سرچشمه فیض و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و یادآور فرهنگ و مکتب ولایی ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند که زیارت آنان و گام نهادن در حرم ایشان، انسانهای تشنه معنویت و کمال را با ماء معین و آب گوارای معرفت و ایمان، سیراب می نماید و باد و مرام و اهداف برگزیدگان الهی را یادآور می گردد؛ از این رو در روایات، زیارت ذریه

و فرزندان پیامبر 77 با خود ایشان برابر دانسته شده است. امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل نموده است که ایشان فرمودند: «من زارنی أو زار أحدا من ریتی ژره یوم القیامه فأنقذته من أهوالها؛ کسی که مرا و یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او را زیارت می کنم و از سختیهای قیامت نجاتش می دهم».(1)

و فرمود: «من زارنی بعد وفاتی فکأنما زار فاطمه و من زار فاطمه فکأنما زارنی و من زار علی بن أبی طالب فکأنما زار فاطمه من زار الحسن و الحسین فکأنما زار محلیه و من زار یهما فکأنما زارهما؛ پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت نموده، و کسی که فاطمه را زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده، و کسی که علی (علیه السلام) را زیارت کند، گویا فاطمه علیها السلام را زیارت نموده و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند، گویا علی (علیه السلام) را زیارت نموده و کسی که فرزندان آن دورا زیارت کند، گویا آن دورا زیارت نموده است».(2)

بنابراین، یکی از برکات زیارت امامزادگان، بازخوانی خط مشی ائمه (علیهم السلام) و یادآوری جایگاه و مقام ممتاز اهل بیت علیهم السلام است که با مشاهده مشاهد شریفه این بزرگواران، زائر به یاد اجداد و آباء گرامی ایشان، اهداف و برنامهها و آموزه های رفتاری و گفتاری ایشان می افتد و نام و یادشان را با ذکر صلوات و بیزاری جستن از دشمنان و قاتلان ایشان گرامی می دارد و به راحتی و زیبایی، یکی از بنیانهای فکری تشیع یعنی تولی و تبری را به نمایش می گذارد.

نماد محبت

ص: 46

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 331؛ بحارالانوار، ج 100، ص 123.

2- بحارالانوار، ج 100، ص 122، ح 28، مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 10، ص 182، ح 4، بشاره المصطفی، محمد بن علی طبری، ص 139.

نشانه و نماد دیگری که بر این حقیقت اشاره دارد، برگزاری مراسم های باشکوه مذهبی در جوار بارگاه این بزرگواران است که زائران مؤمن و شیعیان وفادار به خاندان عصمت (علیهم السلام) وجود بارگاه این امامزادگان را فرصتی زیبا و مغتنم برای عرض ارادت به اهل بیت (علیهم السلام) دانسته و در کنار و همراه این سادات و فرزندان امامان (علیهم السلام)، مودت و محبت خویش را ابراز می کنند.

2. ارتقای سطح معنوی

اشاره

برخی از خانه ها و مکانها، از شرافت و منزلت خاصی برخوردارند؛ همانند خانه هایی که در آنها خداوند مورد پرستش قرار گرفته و ذکر و یاد پروردگار در آن جاری و ساری است. خداوند متعال با اشاره به این گونه خانه ها می فرماید: «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ ت له فیها بالغدو والآصال؛ در خانه هایی که خداوند اذن داده که دیوارهای آن بالا برده شوند و در آنها نام خدا برده شود و بامداد و شامگاه در آنها تسبیح او گویند»(1)

بی گمان، آستان نورانی امامزادگان، زیارتگاه ها و اماکنی که به خاندان مطهر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ذریه گرانقدر ایشان منسوبند، همه از مصادیق این آیه شریفه بوده، جزئی از خانه ها، آستانها و بیوتی است که براساس این آیه شریفه، خداوند متعال به تکریم و تعظیم آن فرمان داده است و این اماکن مقدس، مکانی مناسب برای ذکر و توجه به خدا و ارتقای معنویات به شمار می رود.

ترنم ذکر و صلوات

کسی که در این مکانها قرار می گیرد، با ترنم ذکر و یاد خدا بر زبان، با صلوات و درود بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت علیهم السلام با اقامه نماز واجب،

ص: 47

خواندن نماز زیارت، تلاوت قرآن، خواندن زیارتنامه و مرور دعاها و زیارتهایی مانند زیارت عاشورا، جامعه کبیره و مانند آن، روشنی و نورانیت معنوی در وجود خویش احساس نموده، با پیوندی دوباره با فطرت، از رذائل و ناپاکیها فاصله می گیرد و همین نورانیت و معنویت، باعث حفظ و تقویت ارزش ها، دوری از ناهنجاریها، مصونیت در برابر تهاجم فرهنگی و ایجاد آرامش و ایمان، در دیگر ساحتهای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی او میگردد.

شمیم معنویت

ضمن آنکه اصل حضور در بقاع متبرکه و تنفس در فضاهاى معنوی حرم مطهر امامان (علیهم السلام) امامزادگان و برگزیدگان الهی، شمیم معنویت و عطر خوش خداخواهی را بر مشام جان انسان می نشاند و زائر را سرمست و مشتاق معنویات نموده و چه بسا با عنایت خاندان فضیلت و کرامت، توفیق حضور او در این مکان مقدس، همراه با تحول روحی و فکری و رویش جوانه های تقوا و خدادوستی حقیقی زائر و تغییر مسیر زندگی پیشین او گردد.

با توجه به همین تأثیرات شگرف، تحول آفرین و ظرفیت مناسب فرهنگی و معنوی این مکانهای مقدس و همچنین پراکندگی، تنوع و فراوانی این امامزاده ها بود که رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) تأکید کردند که امام زادگان و بقاع متبرکه، باید به قطب فرهنگی جامعه تبدیل گردند

3. ارزیابی و سنجش ایمان

اشاره

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) میفرماید: «ایمان در درون شما کهنه و فرسوده می شود؛ همان گونه که لباس در تن شما کهنه می شود. پس از خدای

متعال بخواهید که ایمان را در قلبهایتان تازه و نو گردانند» (1). این سخن بدان معناست که هر مؤمنی وظیفه دارد عقاید و باورهای مذهبی خود را به کارشناسان و متخصصان دینی ارائه نماید تا با اطمینان خاطر، مسیر بندگی را به سلامت پیماید.

باورهایی به زیبایی بهشت

یکی از افرادی که با وجود بزرگی و شرافت مقام، به این مهم اهتمام ورزید، حضرت عبدالعظیم حسنی است. ایشان می فرماید: خدمت امام هادی (علیه السلام) رسیدم. هنگامی که چشم آن حضرت بر من افتاد، فرمود: «ای ابوالقاسم! خوش آمدی، انت ولنا حق تواز دوستان حقیقی و واقعی ماهستی».

عرض کردم: «یا ابن رسول الله! میل دارم عقاید و باورهای دینی خود را بر شما عرضه بدارم. اگر عقاید من درست است، ثابت باشم تا آن گاه که رحمت خداوند را ملاقات کنم». حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: بگوای ابالقاسم!

عرض کردم: من معتقدم که خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است و جسم، صورت، عرض و جوهر نیست؛ بلکه اوست که اجسام را جسمیت داده و صورتها را تصویر فرموده و اعراض و جواهر را آفریده است. او خداوند همه چیز و مالک و محدث اشیاء است. معتقدم که محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده او و خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود و امام بعد از رسول (صلی الله علیه وآله) امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، بعد از او حسن، سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و سپس شما (علیهم السلام) هستید. امام هادی (علیه السلام) فرمود: پس از من فرزندانم

ص: 49

حسن امام است، لیکن مردم درباره امام بعد از او چه خواهند کرد؟

عرض کردم: ای مولای من! مگر ایشان چگونه است؟ فرمود: امام بعد از فرزندانم حسن، شخصش دیده نمی شود و اسمش در زبانها جاری نمی گردد تا خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده است.

عبدالعظیم می گوید: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می گویم: دوست شما دوست خدا و دشمن شما دشمن خداست، طاعت شما طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از شما موجب معصیت خداست. من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حق اند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارتند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر. در این هنگام حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: ای ابالقاسم! به خدا سوگند اینها دین خداست که برای بندگانش برگزیده است، بر این عقیده ثابت باش و خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد». (1)

صراط مستقیم ولایت

بر این باور، حضور در حرم های مقدس امامان و بارگاههای ملکوتی امامزادگان، فرصت مغتنمی است تا انسان باورهای فکری و گرایش های رفتاری خود را بر آنان عرضه نماید و ژرف بیندیشد که آیا سبک زندگی او، با سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان بزرگوار هماهنگ است یا نه؟ چه مقدار بین زندگی او و باورهای قرآنی و دینی این بزرگواران فاصله افتاده است؛ از زندگی فردی و خانوادگی گرفته،

ص: 50

تا نحوه پوشش و حجاب و عفاف همسر و فرزندان، کسب حلال، حمایت از ولایت، نماز و عبادات و هر آنچه که به عنوان واجبات و محرمات شرعی بیان شده و این سادات و وابستگان به خانه وحی، با تمام وجود بدان عمل می نمودند و برای زنده نگه داشتن همین باورهای جان مبارکشان را فدا کردند.

باید نیک اندیشید که با توجیحات فراوان و به بهانه به روز بودن و عقب نماندن از قافله روشنفکرانها، چه مقدار از واجبات را فاکتور گرفته و برای همرنگی با دیگران، مجوز چه گناہانی را که صادر نکرده ایم!

در هر حال، عرضه باورها بر برگزیدگان الهی و سنجش میزان دینداری خود با آموزه های دینی و مذهبی، یکی از نکاتی است که اهل بیت (علیه السلام) نیز بارها بر تأکید کرده و میفرمودند: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم، لن یخرجکم من هدی ولن یعیدوکم فی ردی؛ به خاندان پیامبر تان بنگرید! همراه با راه و روش آنان باشید و از آنان پیروی کنید. آنها شما را از هدایت بیرون نمی برند و در گمراهی وارد نمی سازند»⁽¹⁾.

وادی عرضه و سنجش

یکی از عرفای معاصر علامه جوادی آملی حفظه الله - پیرامون حقیقت زیارت می فرماید: زیارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب، دل دادن صمیمانه دل داده در کوی دلدار، سر سپرده سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دیندار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دینداری است. زیارت عرضه خویشتن

ص: 51

بر ترازو و ابزار سنجش است. ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجا می توان رسید. زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می شود، از راه دل عبور می کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می رسد و بار بر زمین می نهد. (1)

4. پناه در ماندگان؛ آرام بخش گرفتاران

اشاره

هر انسانی در دنیا، نیازمند پناهگاهی است تا در هجوم خطرات و آن هنگام که اراده انسان از کار می افتد، به آن پناهگاه مراجعه نماید. پناهگاه و پشتوانه قابل اعتمادی که آن هنگام که همه وسیله ها منقطع شده و اضطرار و بیچارگی به انسان رو نموده و او را به نقطه یأس و ناامیدی مطلق کشانده است، بتوان بدن تکیه نمود.

از برکات و آثار امامزادگان این است که ایشان، ملجأ و مأوی گرفتاران و در ماندگان هستند و آن گاه که همه سببها قطع و امیدها ناامید می گردد، این ستارگان آسمان ایمان و معنویت، بارقه های امید را در دل انسان مأیوس و افسرده حال زنده کرده، او را در پناه خویش می گیرند. در چنین فضاهایی، توسل و چنگ زدن به دامن اهل بیت (علیه السلام) امامزادگان و اولیای الهی، به مثابه نور امیدی است که دل و جان خسته و در مانده را انرژی تازه ای می بخشد و نوید و امید حیات و زندگی می دهد.

پناه دل سوختگان

بر این اساس، در روایات، از پیشوایان دین و ائمه هدی علیهم السلام به عنوان (کهف الوری؛ یعنی پناهگاه مردم) تعبیر شده است؛ (2) بدین معنا

ص: 52

1- ادب فنای مقربان، علامه جوادی آملی، ج 1، ص 17.

2- امام صادق السلام فرمود: «نحن كهف لمن التجأ الیناء ما پناهگاهیم برای هرکس که به ما پناه آورد». (بحار الانوار، ج 50، ص 299)، امام سجاد ملی نیز در دعای 47 صحیفه می فرماید: «اللهم انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علما العبادک... فهو كهف المؤمنین؛ خدایا! همانا دینت را در هر زمانی با امامی تأیید کرده، او را پرچم هدایت بندگانت قرار دادی... پس او پناهگاه مؤمنان است».

که آن بزرگواران، پناهگاه امن مردم از خطرهای بوده و همواره آغوش باز آنان برای رهایی و نجات گرفتاران باز است.

وجود بارگاه های مقدس و نورانی امامزادگان و بزرگان دین، پناهگاههایی است که باعث می گردد انسان متوسل به درگاه مقربان الهی، همیشه راه گشایش را باز ببیند و هیچ گاه در مشکلات و مصائب غرق نگردد و چه چیزی شیرین تر از حس امید که مانند چراغ فروزانی است که خانه وجود آدمی را سرشار نور و روشنایی میکند و مایه گرمی و حرارت زندگی انسانو سبب ایجاد شوق و شور در راه رسیدن به هدفها می گردد؛ که اگر نبود امید، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی نشاند» (1).

کوی نو میدی مرو، امیدهاست

سوی تاریکی مرو، خورشیدهاست (2)

شاید به همین دلیل است که افرادی که از این گونه پناهگاههای حقیقی و معنوی فاصله می گیرند، مجبورند به دامان قرصهای آرامبخش و خواب آور پناه ببرند؟

5. رهایی از سرگشتگی و گم شدن

اشاره

خداوند متعال همواره برای هدایت انسانها به مقصد اصلی و نجات از سرگشتگی و حیرانی، نشانه ها و علائمی را قرار می دهد تا نجات بخش انسان از فرورفتن در گردابهای مادیات، شهوات نفسانی و غرق

ص: 53

1- پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و فرماید: «الأمل رحمه امید را رحمت الهی می داند و می فرماید الامتی و لو لا الأمل ما رضعت والده ولدها ولا هم در رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نمی بود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی نشاند». بحار الانوار، ج 7، ص 173.

2- مولوی

شدن در روزمرگیها باشد و بدین گونه، مسیر انتخاب صحیح را به انسان بنمایاند و به ساحل آرامش، امنیت و معنویت رهنمون گردد.

ائمه هدی علیهم السلام و امامزادگان، نشانه های الهی در زمین، برای راهنمایی انسان به مقصد صحیح آفرینش هستند و مزار شریف این گرامیان، همانند چراغهای فروزانی است که انسانهای سرگشته را از هلاکت و ظلمت گمراهی، به جاده اصلی فطرت و پاکی فرا می خواند.

سخنی از استاد شهید

به تعبیر شهید مطهری (رحمه الله علیه): در هر حرکت و مسیر، توجه به علامتها و فلشها و نشانههای راه برای گم نشدن و دورنیفتادن از مقصد و به سوی مقصد رفتن است.

انبیاء و اولیاء، راههای خدا هستند: «انتم البی الأعظم والصرراط الأقوم؛ شما بزرگراه هدایت و استوارترین راه رسیدن به خدا هستید».

آنان علامتها و نشانههای سیر الی الله هستند: «و أعلاما لعباده ومارا فی بلاده و ادلاء علی صراطه؛ و نشانههایی برای هدایت بندگان در شهرها و راهنمایان رسیدن آنان به خدا»..

هادیان و راهنمایان به سوی حق میباشند: «العاه إلی الله والادلاء علی مرضاه الله؛⁽¹⁾ با دعوت کنندگان به خدا و راهنمایان بندگان به سویرضایت او».⁽²⁾

امام رضا (علیه السلام) نیز در فرمایش نغز و دلنشین خودشان، تعابیری بس والا پیرامون ائمه (علیهم السلام) و چگونگی هدایتگری و نجات از گمراهی انسانها داشته و فرمودند: «الإمام الشمس الطالعه المکمله بنورها للعالم؛ امام (علیه السلام) مانند خورشید فروزان است که نورش عالم را فراگیرد.

ص: 54

1- فراهایی از زیارت جامعه کبیره.

2- یادداشت های استاد مطهری، ج 5، صص 413 و 414.

الإمام البدر المنير والسراج الزاه والتوتر الساطع والنجم الهادي في غياهب الجي و أجواز البلدان و القفار و لجج البكار؛ امام (عليه السلام) ماه تابان چراغ روشن، نور درخشان و ستاره راهنما در تاریکیها، رهگذر شهرها و کویرها، و گرداب دریاها است.

« الإمام الماء العذب على الظما و الدال على الهدى والمنجى من الدى، امام (عليه السلام) آب گوارای زمان تشنگی و راهنمای هدایت و نجات بخش از هلاکت است.

الإمام النار على التفاع الحار لمن اصطلى به والدليل فى المهالك، من فارقه فهالك، امام (عليه السلام) همانند آتش روشن بر بلندیاها برای هدایت گم گشتگان، وسیله گرمی برای هر که از آن گرما خواهد و رهنمای هلاکتگاهها است. هر که از او جدا شود هلاک شود» (1).

تألهدایت

مشابه همین پرتوافشانی و نقش هدایتگری را امامزادگان عظیم الشان به دلیل متصل بودن به عترت طاهره (علیهم السلام) دارا هستند و بقاع متبرکه امامزادگان و حرمهای امن ایشان، همانند چراغهایی فروزان و تابنده، انسان را به سوی نور ایمان و سعادت دنیوی و اخروی راهنمایی می کند و از غفلت و بی توجهی، سرگشتگی و گم شدن در میان امواج سهمگین و سوسه های شیطانهای جتی و شیاطین انسان نما رهایی میبخشد.

6. واسطه فیض بودن و روا شدن حاجات

اشاره

بدون تردید، یکی از آثار و برکات مشاهده شریفه و بقاع متبرکه امامان و امامزادگان، واسطه فیض بودن این بزرگان و صالحان و برآوردن حاجات نیازمندان و گرفتاران است و زائران بسیاری، در طول

ص: 55

سال با تشرف و زیارت این قبور، به برکت پیوند خوردن با فضای معنوی آن مکانهای مقدس، آن بزرگواران را واسطه رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات خویش قرار می دهند و در بسیاری از اوقات که با دل‌های پاک و فارغ از دنیا و دلبستگی های مادی، به سوی ایشان روی می آورند، حاجتهای خود را گرفته، سرشار از عشق و امید به زندگی ادامه می دهند.

یک دستور قرآنی

واسطه فیض قرار دادن خوبان و آبرومندان درگاه الهی برای دریافت نعمتها و گشایش در کارهای دستوری قرآنی و مورد سفارش پیامبر (علیه السلام) و اهل بیت علیهم السلام است. خداوند متعال به مؤمنان چنین دستور داده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا إلیه الوسیله ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید» (1).

سلمان فارسی به نقل از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) میگوید: خداوند می فرماید: ای بندگان، آیا چنین نیست که چه بسا کسی حاجات بزرگی از شما می خواهد و شما حوایج او را بر نمی آورید، تا اینکه کسی را که محبوب ترین مردم نزد شماست، شفیع قرار می دهد؛ آنگاه حاجات او را به احترام آن شفیع بر می آورید؟

«الافاعلموا ان اکرم الخلق علی و افضلهم لدی محمد و الحوه علی و من بعدهما الأئمه الذین هم الوسائل إلی آگاه باشید و بدانید که گرامی ترین خلق نزد من، محمد و برادر وی علی و امامان پس از اویند که همانا «وسیله» مردم به سوی من اند. اینک هر کس حاجتی دارد و نفعی را طالب است یا آنکه دچار حادثه ای صعب و زیانبار گشته و خواهان رفع آن است، باید مرا به محمد و خاندان پاکش بخواند تا به

ص: 56

بنابراین، از برکات قطعی و تجربه شده امامزادگان، بر آورده شدن حاجات است که مؤمنان در هجوم مشکلات مادی و گرفتاریهای فراوان زندگی، بار سفر به سوی مزار شریف آنان بسته، این عزیزان وجیه و آبرومند درگاه الهی را واسطه قرار می دهند و گره گشایی گره های بسته زندگی خود را از آنان می طلبند.

7. برگی دیگر از آثار و برکات

اشاره

آنچه گفته شد، تنها گوشه ای از آثار و برکات امامزادگان و بقاع متبرکه بود. در این فرصت، برخی دیگر از این آثار را به صورت گذرا مرور می کنیم.

الف: آموزش گناهان

حضور بر سر مزار آن پاکان، فرصت نابی است تا زائر صورت و سیرت خود را در زلال معنویت آن بشوید و با استغفار و توبه خالصانه و حقیقی، پاک و طاهر از آن مکان مقدس خارج گردد و زندگی تازه ای را آغاز نماید. امام باقر علیه السلام فرمود: «قمن زار قبر شهداء آل محمد علیهم السلام یرید الله بذلک وصله تبه خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه؛ کسی که قبر شهدای آل محمد (صلی الله علیه وآله) را زیارت کند و با این زیارت خدا و تقرب به نبی را قصد کرده باشد، از گناهانش همچون روزی که از مادر متولد شده است، خارج می شود». (2)

حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل کرده است که ایشان فرمود: «تدفن بضعه منی بخراسان، ما زارها مکروب إلا نفس الله

ص: 57

1- بحار الانوار، ج 4، ص 22.

2- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 14، ص 331، باب 2، ح 22؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 101، ص 2، ح 40.

کبه و لا ذنب إلا غفر الله له وه؛ به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن می شود، هیچ غمگینی او را زیارت نمی کند جز آنکه غمش برطرف می شود، و گناهکاری او را زیارت نمی کند، جز آنکه خداوند گناهان او را می بخشد»⁽¹⁾.

ب: شفاعت از زائر

درباره دستگیری و شفاعت ائمه (علیهم السلام) و نیز امامزادگان، احادیث فراوانی وارد شده است. به عنوان نمونه، امام صادق (ع) فرمود: «تذل بشفاعتها شیعتهی الجنه بأجمعهم؛ با شفاعت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، همه شیعیان ما وارد بهشت خواهند شد»⁽²⁾.

و امام هشتم (علیه السلام) فرمود: «من شد رحله الی زیارتی، استجیب دعاؤه.. و کنت انا و آبائی شفعاءه یوم القیامه؛ کسی که برای زیارت من کمر مسافرت ببندد، دعایش مستجاب می شود و من و پدرانم او را در روز قیامت شفاعت می کنیم»⁽³⁾.

ج: نجات از سختیهای قیامت

همه انسانهای روزی را تجربه خواهند کرد که همه دستاویزها، دارایی های خویشان، بستگان، دوستان و هر آنچه به تصور آید، از کار می افتند و انسان محتاج و نیازمند می گردد. در هنگام چنین نیاز واقعی انسان در قیامت است که صورت زیبای زیارت معصومین (علیه السلام) و امامزادگان، رخ می نماید و منجی انسان می گردد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «من زارنی أو زار أحدا من دیتی ته یوم القیامه فأنقذه من أهوالها؛ کسی که مرا و یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او

ص: 58

1- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 14، ص 553؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، 102، ص 33، ح 10.

2- سفینه البحار، ج 2، ص 376.

3- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 102، ص 44، ح 51.

رازیارت می کنم و از سختی های قیامت نجات می دهم»(1).

همچنین وقتی که امام حسین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پرسید: «یا اَبناه ما لمن زارک؟ ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟»

پیامبر (صلی الله علیه وآله) چنین پاسخ فرمود: «یا بنی من زارنی حیا او میتا او زار اَباک او زار اَخاک او زارک کان حقا علی آن آزره یوم القیامه و اَخلصه من ذنوبه؛ کسی که مرا در حیات یا مماتم زیارت کند یا پدر تو [علی (علیه السلام)] را زیارت کند یا برادرت [حسن (علیه السلام)] را زیارت کند یا تو را زیارت کند، بر من لازم است که روز قیامت او را زیارت کنم و او را از گناهانش رها سازم»(2).

د: برکات مادی

بدون شک، افزون بر برکات بی شمار معنوی و فرهنگی بقاع متبرکه و امامزادگان و نیز رفع گره های مادی بسیاری از متوسلان به این مقربان درگاه الهی، وجود این امامزادگان باعث گسترش امکانات رفاهی و تجهیز نیازمندیهای مختلف برای آن مکان و مسیرهای مرتبط به آن می گردد که این مسئله نیز جلوه ای دیگر از خیر و برکات مادی این بزرگان برای مجاوران، اهالی و ساکنان آن مکان به شمار می آید.

ضمن اینکه اصل رفتن به زیارت، برای انسان افزایش رزق و روزی را به دنبال می آورد؛ همانگونه که امام علی (علیه السلام) فرمودند: «و بالقبور التي أَلَمَّكم الله وجل حقها و زیارها و اطلبوا الرزق عندها؛ و به زیارت قبوری بروید که خداحق و زیارت آنها را بر شما لازم نموده [همانند قبور امامان و امامزادگان] و نزد آن قبور طلب رزق کنید»(3) و امام باقر (علیه السلام) درباره برکات مادی زیارت امام حسین (علیه السلام) فرمود: «إن

ص: 59

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 331، ح 23؛ بحار الانوار، ج 100، ص 123، ح 31.

2- کافی، کلینی، ج 4، ص 548، ح 4.

3- خصال، شیخ صدوق، النشر الاسلامی، قم، 1403ق، ج 2، ص 616.

الحسين صاحب كربلاء... وحق على الله ع وجل أن لا يأتيه لهفان إن الله كربته وأعطاه مشألته و غفر ذنوبه (ذبه و ممد في عمره و بسط في رزقه؛ حسين (عليه السلام) صاحب [و شهيد] كربلا است.... بر خدای عزیز و جلیل حق است که غصه داری و ... به زیارت او نیاید جز آنکه خدا مشکش را برطرف و خواسته اش را اجابت می کند و گناهانش را می پوشاند و عمرش را طولانی می کند و رزقش را افزایش میدهد»⁽¹⁾.

ص: 60

1- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 101، ص 46، ح 5، کامل الزیارات، ابن قولویه، ص 168، باب 69، ح 5؛ مستدرک الوسائل، میرزای توری، ج 10، ص 239، ح 17.

پرده پنجم: وظایف ما

اشاره

ص: 61

میهمان شدن و بهره مندی از ضیافت خوبان و وابستگان به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت علیهم السلام و تشریف به مأمن و مأوی امامزادگان، برخی مسئولیتها و وظایف را بر عهده زائر قرار می دهد که مهم ترین این وظایف عبارتند از:

1. آشنایی با افکار و اندیشه های آنان

اشاره

از اصلی ترین وظایف زائر حرماهای شریف و قبور نورانی امامزادگان، پی جویی و آشنایی با سبک زندگی و افکار و اندیشه های والای آنان است. اینکه چگونه زیسته اند و زندگی خویش را بر اساس چه معیارها و باورهایی بنیان نهاده بودند؛ به چه چیزهایی پایبند بوده و از چه مواردی دوری گزیده اند. سیره و سخن آنان چگونه بود که به خوش عاقبتی و عزت رسیدند و یاد و نامشان بزرگ داشته شده، مزارشان محل نزول ملائکه و محل طواف و عتبه بوسی مؤمنان گردیده است؟

یافتن پاسخ این پرسشها و موارد مشابه آن، درسها و فرمولهایی است که باید از این ستاره های گمنام آموخت و با آگاهی و شناخت بهتر، اثرپذیری و ایجاد تحول در زندگی خویش را آغاز نمود و از حقیقت زیارت، بیش از پیش بهره مند گردید.

معرفت، اساس مودت

این آشنایی با افکار و اندیشه ها بدان سبب اهمیت دارد که

مهرورزی نسبت به خوبان، رابطه مستقیمی با میزان شناخت از کمالات و زیبایی های آنان دارد و هر کس بر اساس معرفت خویش، به محبوب ارادت می ورزد؛ اگر آشنایی ضعیفی داشته باشد، بی تردید رابطه قلبی او هم در درجات پایین خواهد بود و هر قدر معرفت او به کمالات و فضائل محبوب خود بیشتر باشد، ارادت قلبی، عشق و علاقه و در نتیجه خضوع و خشوع و تسلیم در برابر محبوب، بیشتر و ریشه دارتر خواهد بود.

امام علی (علیه السلام) در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت (علیهم السلام) و نتیجه آن می فرماید: «من أحب بقلبه و أعاننا بلسانه و قاتل معنا أعداءنا بیده فهو معنا فی الجنه فی درجتنا و من أنابقلبه

و أعاننا بلسانه ولم یقاتل معنا أعداءنا فهو أقل من ذلك بدرجه و من أحبنا بقلبه ولم یعنا بلسانه ولا بیده فهو فی الجنیه؛ هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود»⁽¹⁾.

2. مهرورزی و مودت قلبی

اشاره

در دل داشتن محبت اولیاء و خوبان درگاه الهی، یکی از نشانه های ایمان و از وظایف مؤمنان نسبت به سادات، فرزندان و نوادگان خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. امیر مؤمنان (علیه السلام) در این رابطه می فرماید: «هر کس می خواهد بداند که آیا عاشق حقیقی اهل بیت (علیه السلام) است یا نه، به قلب خویش رجوع نماید، اگر در دلش محبت دوستان ما هست پس او

ص: 64

دوست ماست، ولی اگر یکی از دوستان ما را در دلش دشمن می دارد، او دوستدار حقیقی ما نیست» (1).

به دیگر سخن، اینکه انسان از اعماق وجود خویش به فرزندان زهرای اطهر (علیه السلام) امیر مؤمنان (علیهم السلام) عشق و ارادت بورزد و نسبت به آنان، احساس فروتنی و محبت داشته و احترام و ارزشگذاری به ایشان را، نماد احترام و محبت به ائمه (علیهم السلام) و پیشوایان گرانقدر بشمارد، این مودت و محبت قلبی نسبت به ذریه اهل بیت (علیهم السلام) امامزادگان و اولیاء الهی، نخستین گام در ادای وظیفه است؛ چنانکه در زیارت «امین الله» درخواست می کنیم: «خداوندا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده آت قرار بده» (2).

دعوتی از جانب خدا

خداوند متعال در قرآن کریم به این شیوهی محبت و مودت دعوت کرده و می فرماید: «قل لا ألكم علیه اجرا إلا الموده فی القربی؛ ای پیامبر ابگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم» (3).

هنگامی که این آیه بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل شد، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو کیانند که مودت آنان بر ما واجب است؟

حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: «علی و فاطمه و فرزندان او» (4).

دوستی ذریه بارالسلام، نماد دوستی با پیامبر (صلی الله علیه وآله)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام تو وابستگان به

ص: 65

1- بحار الانوار، ج 27، ص 53.

2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 395.

3- سوره شوری، آیه 23.

4- الدر المنثور، ج 6، ص 7؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 172؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 168.

خود را نشانگر دوست داشتن خود دانستند و فرمودند: «أحبوا الله لما يغذوكم به من نعمه وأحبوني لحب الله عزوجل وأحبوا أهل بيتي لبي؛ خدا را دوست بدارید، به جهت آنکه از نعمتهایش به شما روزی می دهد و مرا نیز به جهت دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به جهت دوستی من دوست بدارید». (1)

امام باقر (علیه السلام) نیز درباره تعمیم و گسترش این مودت به دیگر فرزندان و وابستگان به اهل بیت علیهم السلام فرمودند: «و الطاعه لواحد منا و الموده للجميع؛ اطاعت نسبت به یک نفر از ما به عنوان امام معصوم - است و دوستی نسبت به همه ما». یعنی در هر دوره و زمان، یک امام واجب الاطاعه وجود دارد که همگان موظف به اطاعت از او هستند، ولی محبت و دوستی نسبت به تمامی وابستگان به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) عمومیت دارد و احترام و محبت آنان، لازم و ضروری است؛ لذا شیخ صدوق (رحمت الله علیه) نیز تمام ذریه و دودمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مصداق آیه مودت دانسته و می نویسد: «و موده دره النبئ * اذا كانوا علی منهاج آبائهم الطاهرین فریضه واجبه فی أعناق العباد الی یوم القیامه و هو أ الثبوه لقول الله وجل (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی)، محبت و دوستی به فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صورتی که آنان در همان مسیر پدران پاکشان باشند و از آن منحرف نگردند، بر بندگان خدا تا روز قیامت، فرض و واجب است و همین محبت و ورزیدن، مزد رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است چنانکه قرآن همین مطلب را در سوره شوری آیه 23 می فرماید: ای پیامبر! به امت خود بگو از شما جز محبت و دوستی به خویشاوندانم، پاداشی نمیخواهم». (2)

ص: 66

1- بحار الانوار، ج 67، ص 14؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج 3، ص 150.

2- امالی شیخ صدوق، ص 739.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) می فرماید: در قرآن نسبت به اولیاء الهی سه تعبیر وجود دارد: یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إنما ولكم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویؤتون الكاه وهم راکعون»، (1) بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیر مجموعه ی ولایت است.

یک بحث، بحث اطاعت است؛ «أطیعوا الله وأطیعوا الشول وأولی الأمر منکم»، (2) اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد.

اما یک بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. «قل لا أ لکم علیها اجرا إلا الموده فی القربی» (3) ولایت اینها را داشته باشید،

اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت چیست؟

این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلایی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دورانهای اول بر سر یک عدهای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبتهای اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای مناقب اینها و فضائل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است (4)

3. مودت عملی و زیارت حضوری

اشاره

اهل لغت و نکته دانان، بین محبت و مودت تفاوتی موشکافانه و

ص: 67

1- سوره مائده، آیه 55.

2- سوره نساء، آیه 59.

3- سوره شوری، آیه 23.

4- بیانات رهبر معظم انقلاب، 88/9/22.

ظریف قائل شده اند و گفته اند: مودت، برای تثبیت و تأکید محبت و دوستی، نیاز به ابراز و اظهار دارد؛ یعنی دوستی و محبت قلبی، آن گاه که بروز و ظهور بیرونی داشته باشد، از آن به «مودت» تعبیر می شود؛ از این رو در روایت می خوانیم: «إذا أحب رجلاً فأخبره بذلك فإنه أثبت للمودة بينكما؛ وقتی کسی را دوست داری، به او اطلاع بده، زیرا این کار باعث تداوم و تثبیت محبت می گردد»⁽¹⁾. به تعبیر ساده، «محبت» به معنای دوست داشتن و «مودت» به معنای دوستی کردن است؛ یعنی گاهی انسان نسبت به برخی احساس انس و الفت و محبت دارد و گاه فراتر از این مرحله این دوستی و محبت را ابراز کرده، در عمل با آنان دوستی می ورزد.

تجدید عهد

بر این اساس، حضور زائر بر مزار و تربت پاک ائمه (علیهم السلام) و نیز قبور مطهر امامزادگان و تجدید عهد و پیمان حضوری با آن والاقدران روزگار، دومین وظیفه ای است که هر دلباخته و محب اهل بیت (علیهم السلام) بر عهده دارد تا از این طریق، اعلان محبت و دوستی نماید و قدرشناسی خود نسبت به ذریه پیامبر (علیهم السلام) اولاد معصومین (علیهم السلام) را ابراز نماید.

امام رضا (علیه السلام) می فرمود: این لکل امام هدافی عنق أولیائیه و شیعتیه وان من تمام الوفاء بالعهد و محسن الأداء زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقا بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعاءهم یوم القیامه؛ همانا که هر امامی، عهد و پیمانی بر گردن دوستان و شیعیانش دارد و به درستی که وفای کامل به عهد و ادای زیبای این پیمان، با زیارت قبور آنها حاصل می شود. پس هر که آنها را از روی شوق و رغبت و باور نسبت به این شوق، زیارت کند، آنان در روز قیامت از او شفاعت

ص: 68

امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز فرمود: «من لم یقدره آن ژورنا فلیثر الحی موالینا-کتب له ثواب زیارتنا من لم یقدر علی صلتنافلیصل علی صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتننا؛ هر کسی توانایی ندارد که به زیارت ما بیاید، پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود و کسی که توانایی صله و نیکی به ما را ندارد، پس موالی صالح و شایسته ما را صله و نیکی کند، تا ثواب صله و نیکی به ما برای او نوشته شود».(2)

بدون تردید، امامزادگان، فرزندان و نوادگان صالح و شایسته اهل بیت (علیهم السلام) از مصادق بارز «صالحی موالینا» هستند که زیارت آنان، سفارش و تأکید شده است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) نیز بر زیارت ذریه و فرزندان خود سفارش نموده و وعده یاری و کمک اخروی به دوستداران ایشان داده است. ایشان فرمودند: «هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، من هم روز قیامت به زیارت او می روم و او را از هول و هراسهای قیامت می رهانم».(3)

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: «هر کس که نتواند به زیارت قبر ما امامان بیاید، پس قبر برادران صالح و شایسته ما را زیارت کند»:(4)

نگاهی به سیره بزرگان

از آنجا که بسیاری از علما و بزرگان در قم حضور داشته و به تحصیلات علمی و معنوی پرداخته اند، از این رو به چند نمونه از پایبندی بزرگان نسبت به زیارت حضوری بارگاه منور حضرت

ص: 69

1- الفصول المهمه فی اصول الائمه التان، شیخ حر عاملی، ج 3، ص 370.

2- کامل الزیارات، ص 319.

3- بحار الانوار، ج 97، ص 123.

4- بحار الانوار، ج 74، ص 311.

معصومه (علیهم السلام) اشاره می کنیم که می تواند الگویی برای زیارت دیگر امامزادگان و منتسبان به این خاندان مطهر باشد.

عارف وارسته، آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله به زیارت حضرت تقاطمه معصومه (علیهم السلام) بسیار جدیت داشت؛ حتی زمانی که به شدت از بیماری قلبی رنج می برد، از خانه بیرون نمی آمد؛ مگر آنکه قبل از اذان صبح به زیارت حرم می رفت و نماز جماعت را در بالای سر به جا می آورد. (1)

آیت العظمی بروجردی رحمه الله مرتب به حرم حضرت معصومه علی الاقلام مشرف می شد و هنگام خروج از حرم مطهر آن بانو، عقب عقب می آمد و برای رعایت ادب، به ضریح، پشت نمی کرد. (2)

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله می گوید: «حدود شصت سال است هر صبح قبل از اذان صبح به حرم مشرف می شوم و اولین زائر آن حضرتم. بعد از اقامه نماز جماعت به محضر آن بانو مشرف می شوم و عرض ادب می کنم و من هر چه دارم از عنایت کریمه اهل بیت (علیهم السلام) است» (3)

علامه طباطبائی (ره) در طول سال، هفته ای یک بار یا بیشتر به حرم حضرت معصومه علیهم السلام مشرف می شد؛ ولی در ماه مبارک رمضان حالت ویژه ای داشت و هر روز، قبل از افطار به زیارت آن بانوی کرامت می رفت. (4)

حضرت آیت الله بهجت باله نیز هر روز بعد از نماز صبح با نهایت ادب به محضر مقدس حضرت معصومه علیه التان شرفیاب می شد و با.

ص: 70

1- شهیده غربت، ص 134 به نقل از نشریه مبلغان، شماره 162، زیارت کریمه اهل بیت (ع)، در سیره علما، سید جواد حسینی.

2- سیمای فرزنانگان، رضا مختاری، ص 274.

3- کریمه اهل بیت (س)، علی اکبر مهدی پور، ص 222؛ فروغی از کوثر، الیاس محمد بیگی، ص 55.

4- سیمای فرزنانگان، ص 163.

احترام و خشوع تمام، در مقابل ضریح می ایستاد و بعد از اتمام زیارت در گوشه‌های مؤدبانه می نشست و زیارت عاشورا را قرائت می کرد.

دو خاطره از امام

در طول سیزده سالی که امام خمینی رحمه الله در نجف بود، به جز شب‌هایی که بیمار یا ممنوع السفر بود و یا به کربلا مشرف می شد، هر شب دقیقاً ساعت معینی به حرم امیر مؤمنان علیه السلام مشرف می شد. او مقید بود که متن زیارت را از روی مفاتیح بخواند. زیارت امام خیلی طولانی می شد؛ چرا که زیارت عاشورا و نماز زیارت مستحبی می خواند و بعد از اتمام نماز و دعا در کنار ضریح می ایستاد و زیارت امین الله را می خواند. امام در حال زیارت از خود بی خود می شد و اتصال روحی و معنوی با صاحب مزار برقرار می کرد.

وقتی به ایشان گفتند: بهتر است شما برنامه مخصوص برای رفتن به حرم داشته باشید؛ مثلاً هفته‌ای یک یا دو مرتبه مشرف شوید و هر شب و هر صبح به حرم رفتن برای مراجع شکل خوبی ندارد و با توجه به سن شما رعایت مسئله لازم است، چهره امام تغییر کرد و فرمود: «و الله اظلم است که کسی در کنار دریای علم امیر المؤمنین (علیه السلام) باشد و تشنه بخوابد».⁽¹⁾

نیز حضرت امام تا وقتی در قم بودند، به طور مرتب هر روز پس از درس صبح و گاهی پس از درس عصر، به حرم مطهر حضرت معصومه علی‌التر مشرف می شدند و حضور در نماز جماعت ایشان هرگز ترک نمی شد و در حرم، معمولاً زیارت جامعه می خواندند.⁽²⁾

بسیاری دیگر از عرفا و بزرگان نیز به چنین شیوه‌ای مداومت داشته،

ص: 71

1- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 24. نک: نشریه مبلغان، شماره 79.

2- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 28. نک: نشریه طوبی، خرداد و تیر 1385، شماره 7.

به زیارت قبور امامزادگان معظم، مشرف می شدند و از برکات فراوان آنان بهره مند می شدند.

4. تلاش برای هم‌رنگی و سنخیت

اشاره

اگرچه صفت هم‌رنگی و خود را به شکل جماعت ظاهرین و متلون در آوردن، خصلتی منفی و نکوهیده و نشانه ضعف اراده و ایمان انسان است، اما بقاع متبرکه و مزار شریف امامزادگان، مکان و فرصت زیبایی است برای هم‌رنگی مثبت و معنوی برای حرکت در مسیر مورد قبول درگاه الهی.

اینجا هر قدر بیشتر هم‌رنگ شوی، بیشتر به خدا نزدیک می شوی؛ به خوبیها، به نکات مثبتی که دین و دنیا، زندگی فردی و خانوادگی، اجتماعی و حتی سیاسی را سر و سامان می بخشد و انسان را از حیرت و نابسامانی بیرون می برد.

از کلام نورانی معصومین (علیهم السلام) در می یابیم همه کسانی که به انبیا و اولیاء، به چهارده انسان کامل و برگزیده خداوند و امامزادگان و منتسبان این خاندان عشق می ورزند، همگی آنها، از جنس معشوق خویش اند و خدای حکیم، عاشقان اهل بیت علیهم السلام را از جنس معشوقان آفریده است. حضرت باقر العلوم علیهم السلام درباره سنخیت عاشقان اهل بیت بال التلار با محبوبان می فرماید: «إن الله خلقنا من أعلى علیین و خلق قلوب شیعتنا مما خلقنا و خلق أبدانهم من دون ذلك فقلوبهم تهوی إلینا لأنها لقت ما لقتنا؛ همانا خداوند ما را از اعلی علیین آفرید و دل‌های شیعیان ما را از آنچه ما را آفریده، آفرید؛ و پیکرهایشان را از درجه پایینش آفریده است؛ از اینرو دل‌های شیعیان به ما متوجه است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده ایم، آفریده شده اند»⁽¹⁾.

ص: 72

حکمت حق در قضا و در قدر

کردار عاشقان هم دگر

جمله اجزای جهان زآن حکم پیش

جفت جفت و عاشقان جفت خویش

هست هر جزوی زعالم جفت خواه

راست همچون کهربا و برگ کاه(1)

قابل توجه مدعیان!

ناگفته روشن است که این سنخیت و هم‌رنگی، نمودها و جلوه‌هایی نیز باید داشته باشد تا به صداقت مدعی پی برده شود. دوری از گناه، جدا شدن از عشق‌های مجازی و زودگذر، انجام واجبات و ترک محرمات، تقویت بنیان‌های اعتقادی و فکری، ولایتمداری، پرهیز از تجملات و زندگی مسرفانه، آراستگی به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی، انجام وظایف شرعی و... همه و همه نمونه‌هایی است که به ما می‌باوراند که چنین شخصی صادقانه به دنبال محبوب و معشوق خویش است؛ وگرنه وقتی پای آزمونی در میان نباشد و ملاک تشخیصی هم در بین نباشد، هر کسی می‌تواند مدعی هم‌رنگی و سنخیت باشد.

بر این باور، وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطة و قلمرو محبت اولیاء الله وارد شد، خود این حضور در مکانهای مقدسی که با نفس قدسیان و کروبیان عطر معنویت به خود گرفته است، باعث جذبۀ ای درونی و القای محبتی وصف ناپذیر برای زائر می‌گردد که چه بسا همین محبت و عطر معنویت، چاره ساز گشته، او را در مدار جدیدی قرار دهد و آغازی بر یک زندگی معنوی جدید و عاملی

ص: 73

1- مثنوی معنوی - دفتر چهارم.

برای تحول و دگرگونی و قرار گرفتن در مسیر رضایت خداوند گردد؛ همانگونه که بسیاری از زائران با قرار گرفتن در این شعاع معرفت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) استان نور معنویت بر دلهاشان تابید و زندگی جدیدی را آغاز کردند.

یک نشانه

چه زیباست که پس از زیارت، انسان در خود این تحول و دگرگونی معنوی جدید بیابد و شوق و رغبت نسبت به ترک گناه و انجام دستورها بیاورد، در وجودش زبانه کشد که این خود نشانه و علامتی است از توجه صاحب مزار به زائر، برای یک زیستن جدید و خداپسندتا پیمان ناگسستی ببندد و چنین فریاد کشد:

از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

تا ابد سر نکشم وز سر پیمان نروم (1)

5. کمک به آبادانی اماکن مقدسه

اشاره

یکی از باورهای زیبای قرآنی که عمل به آن باعث شادابی معنوی و باروری روحیه تقوا و پرهیزگاری در انسان می گردد، تعظیم شعائر الهی است. قرآن مجید می فرماید: «ومن يعظم شعائر الله انما من تقوى القلوب؛ هر کس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، آن نشانه تقوای دلها است». (2)

شعائریعنی «علامت ها و نشانه ها» و مقصود از شعائر الهی، نشانه های دین خداوند است و لذا مفسران، آیه را چنین تفسیر می کنند: معالم دین الله والاعلام التي بها لطاعته؛ نشانه های دین خدا و

ص: 74

1- حافظ

2- سوره حج، آیه 32.

به طور حتم، قبور ائمه (علیهم السلام) و نیز امامزادگان و بزرگان دین، علامت ها و نشانه هایی به سوی خدا و احیا کننده روحیه تقوا و خداخواهی در انسان هستند و از این رو، این مکان های مقدس، از مصادیق بارز شعائر الهی است که تعظیم و تکریم آن بر مؤمنان و خداپسندان، لازم و ضروری است.

صیانت از شعائر الهی

یکی از راههای اساسی تعظیم این شعائر، بازسازی و نوسازی قبور انبیا، روضه منوره امامان (علیهم السلام) امامزادگان و اولیاء عالی همیاری در تعمیر قبور ایشان است که زائران می توانند از راههایی همانند نذورات مالی و نیز وقف کردن بخشی از دارایی برای تعمیر قبور امامزادگان و الامقام، در بزرگداشت، حفظ آثار و صیانت از اندراس و فرسودگی قبور آنها شریک گردند و ضمن تقویت تقوای الهی، مشمول تشویق ها، پاداش ها و ضمانت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره زائران و و آبادگران قبور ائمه (علیهم السلام) و فرزندان آنها گردند، آنجا که خطاب به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «یا ابا الحسن إن الله تعالی جعل قبرک و قبر ولدک بقاع من بقاع الجنه و ممرضه من ممراتها و إن الله جعل قلوب جباء من خلقه و صفوه من عباده تحت إلیکم و تتبیل المذله و الأذی فیتحمون قبورکم و یکون زیارتها تقترب منهم إلی الله و موده منهم الرشوله أولئک یا علی المخوضون بشفاعتی الواردون حوضی و هم ژواری تمده فی الجنه یا علی من عمر قبورکم و تعاهدها فکانما أغان شلیمان بن داؤد علی بناء بیت المقدس و من زار قبورکم عدل ذلک ثواب سبعین حجه بعد حجه الإسلام و خرج من ذنوبه حتی یرجع من

ص: 75

زیارتکم کیوم ولدته أمه فأبشیر و شر اولیاء و محییک من النعیم و قره العین بما لا عین رأی و لا أذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر؛ یا علی به خدا قسم تو در سرزمین عراق به شهادت می رسی و در همان مکان دفن خواهی شد و خداوند متعال مزار تو و فرزندان تو را بقعه ای از بقعه های بهشتی قرار می دهد و قلوب جوانمردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار می دهد، به گونه ای که هر نوع رنج و ذلت در راه شما را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می کنند و با انگیزه تقرب به خدا و دوستی رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فراوان به زیارت شما می آیند.

یا علی (علیه السلام)! فردای قیامت، شفاعت خاص من شامل اینها است و اینها وارد بر حوض می شوند و زیارت کنندگان من خواهند بود.

یا علی! هرکس قبرهای شما را آباد کند و با آنها مأنوس باشد، مانند کسی است که به حضرت سلیمان (علیه السلام) در ساختن بیت المقدس کمک کرده است و هر کس قبور شما را زیارت کند، ثوابش معادل حج واجب و هفتاد حج دیگر پس از آن است و وقتی بر می گردد از گناهانش بیرون میرود، مانند کسی که از مادر متولد شده است. پس بشارت باد تو و دوستان تو را به نعمت ها و چشم روشنی هایی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به دل کسی خطور کرده است» (1).

فرستی مغتنم

بنابر این، ارزش، فضیلت و ثواب تعمیر قبور امامزادگان مورد تأیید قرآن کریم و سفارش پیشوایان است و دوستداران اهل بیت علیهم السلام نباید از این ثواب مهم غفلت نمایند؛ چراکه افزون بر بخشیده شدن گناهان و قرار گرفتن در زمرهی تعظیم کنندگان شعائر الهی، خود رسول الله (صلی الله علیه و آله) ضامن آمدن، دیدار نمودن و نگه داشتن زائرین آن امامزادگان از هول و

ص: 76

وحشت قیامت شده اند و در روزی که «لا ینفع مال ولا بنون؛ روزی که نه مال سود می دهد و نه فرزندان»، (1) آن حضرتپاور و دستگیر تعمیر کنندگان قبور این بزرگواران شده، فریادرس آنان خواهند گردید؛ لذا باید این فرصت را مغتنم شمرد و و خود را از این فیض بزرگ محروم نکرد.

6. پاسداشت آموزه های دینی

اشاره

اگرچه هر مسلمانی موظف است که در هر زمان و مکانی که قرار دارد، مقید به احکام و آداب اسلامی باشد و خود را از ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری دور نگه دارد، ولی عقل، متانت و ادب دینی و اخلاقی انسان اقتضا می کند که هنگام حضور در پیشگاه بزرگان و به ویژه آنان که منتسب به دین و آموزه های وحیانی و نیز منتسب به خاندان پاک و ذراری رسول خدا و ائمه (علیهم السلام) هستند، حرمت و ادب را بیش از دیگر مکانها رعایت نماید.

تمرین باورهای زیبا

زائر این اماکن مقدس به خوبی می داند که این بزرگواران بیش از همه نسبت به واجبات و محرمات الهی اهتمام داشته و به پاسداشت مقررات دینی و دوری از گناه تأکید می ورزیدند؛ از این رو حضور در این بقاع متبرکه و حریمهای نورانی که به تعبیر روایات، محل آمد و شد فرشتگان و خوبان و مورد نظر و عنایت اهل بیت (علیهم السلام) است، در واقع یادآوری باورهای زیبای دینی همانند رعایت عفت و حیا، حفظ حجاب، اقامه نماز اول وقت، مراقبت و حفاظت بیش از پیش نسبت به نسل و ناموس، کسب حلال، کنار گذاشتن موسیقی های حرام و تمام بایدها و نبایدهایی است که در آموزه های دینی ذکر شده است.

ص: 77

7. بازخوانی و پایبندی به یک اصل

در طول تاریخ پرفراز و نشیب شیعه، یکی از اهداف و برنامه های امامان معصوم (علیهم السلام) و نیز امامزادگان، سادات و علویان، مبارزه با طاغوتها و حاکمان ظالم زمان بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر عملی بود تا با تشکیل حکومت اسلامی و شیعی، احکام نورانی تشیع اجرا گردد و دوستداران ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بتوانند با خیالی آسوده به آداب دینی بپردازند و اسلام حقیقی را در سایه سار حکومت شیعی، پیاده و اجرا نمایند.

اکنون ما در زمانه ای قرار گرفته ایم که به فضل الهی، آرزوی دیرینه آن بزرگواران تحقق یافته و حکومتی شیعی و اسلامی بر مبنای احکام اسلامی و فقه شیعی در حال اجرا است؛ از این رو همه ما وظیفه داریم به احترام خون این عزیزان و پاسداشت یاد و مرام آنان، از ولایت فقیه، حکومت اسلامی و رهبری معظم آن امام خامنه ای (حفظه الله) حمایت نماییم تا این حکومت به دست صاحب اصلی آن یعنی حضرت حجت صاحب الزمان (علیهم السلام) برسد و مدینه فاضله موعود تشکیل شده و مردم به حیات طیبه و زندگانی پاک و زیبای اسلام حقیقی، در پرتو ولایت قائم آل محمد (عجل الله تعال فرجه و شریفه) برسند. إن شاء الله

پرده ششم: آفات زیارت

اشاره

ص: 79

اگرچه برای هر مسافرتی باید مراقبت‌ها را در بالاترین سطح خود به انجام رساند و خود را از خطرات و آفات احتمالی دور نگه داشت، اما در سفر زیارتی از آنجا که نوعی دعوت از طرف صاحب مزار و کشش و جذبۀ عاطفی، زائر را به استشمام عطر معنویت فرا می‌خواند، از این روزائر این اماکن مقدس باید افزون بر مراقبت از جسم، از قلب و روح خویش نیز برترین و کامل‌ترین حراست و حفاظت را انجام دهد تا ظرف روح و جانش، با بهترین آذوقه‌های معنوی، توشه‌های خداخواهی و زیورهای تقوا آراسته گردد و دگرگونی و تحولی حقیقی در او پدیدار گردد؛ در غیر این صورت، زائر مبتلا به برخی آفت‌ها شده، چون لذت‌خوش معنوی بر مشام جانش نرسیده، بیشترین وقت خویش را صرف تماشا و خوشگذرانی خواهد نمود و بدون هرگونه‌تغییر و تحول معنوی، سفرش پایان خواهد پذیرفت.

بر این اساس، آشنایی با این آفت‌ها، باعث مصونیت زائر و بهره‌مندی بیشتر او خواهد شد که به چند مورد از آفات اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

1. امامزاده‌های خیالی

مردی درباره زندگی پیامبران صحبت می‌کرد. در ضمن صحبت‌هایش گفت: «حضرت امامزاده یعقوب را در مصر، بالای گلدسته، شغال

خورد».

یکی از مستمعین گفت: «حضرت آقا! آنکه می گویی، امامزاده نبود و پیغمبرزاده بود. یعقوب نبود و یوسف بود. در مصر نبود و در کنعان بود. بالای گلدسته نبود و ته چاه بود. شغال نبود و گرگ بود؛ و اصلاً خوردنی در کار نبود و قضیه دروغ بود».

گاهی برخی با جعل شجره نامه و مانند آن یا بیان خواب و رؤیایی دروغین و حتی گاهی با اجاره افرادی به عنوان شفایافته، امامزاده ای جدید تاسیس نموده و در ابتدای ورودی آن، صندوق نذوراتی بزرگ و پررنگ قرار می دهند تا پیش از زمان برملاشدن حقیقت، کاسبی جانانه ای به هم زده و از صداقت، پاکی دل و عواطف زلال مردم نسبت به خاندان ولایت و عصمت (علیهم السلام) برای خود کیسه ای بدوزند.

بر این اساس، اولین آفت و خطر پیش روی زائر، امامزادگان جعلی و خودساخته توسط برخی افراد نادان یاسودجو است که در این موارد، قبل از آگاه شدن از حقیقت ماجرا، نباید به شایعات اعتماد کرد و لازم است با مسئولین مربوطه هماهنگی و اطلاع رسانی لازم انجام شود تا در دام فریبکاران و کاسبان دروغین و امامزاده سازان شیاد، نیفتاد.

2. چیرگی سیاحت بر زیارت

آفت رایج دیگر زیارت این است که برخی اوقات جنبه های سیاحتی، بر اصل زیارت سایه افکننده، انسان را به فضاهایی می کشاند که با زیارت سنخیتی ندارند؛ بازدید از مراکز سیاحتی و جذابیت های موجود در مکان های زیارتی، موزه ها، باغ وحش ها و... به گونه ای هستند که برخی اوقات وقتی بازدید و سیاحت به پایان رسید، در کنار آن زیارتی هم انجام می گیرد، تا معنای سفر سیاحتی و زیارتی، دچار خدشه نشود!

ص: 82

گاه این آفت چنان پررنگ می شود که حضور در آن مکان، مهم تر از شرفیابی و عرض ارادت به محضر آن امامزاده تلقی می شود و زائر برای کاسته نشدن از وقت تفریح و خوشگذرانی خود، به زیارت تو سلامی از راه دور بسنده می نماید.

محو شدن در آثار ظاهری مکان های مقدس، کتیبه ها و نوشته جات حرم ها، معماری و مانند آن، همگی در این راستا قابل بحث هستند و نشانه آن، عدم تغییر روحی و روانی زائر است که در این مسئله، وجدان هر فرد، بهترین قاضی خواهد بود.

3. انتظارات نامعقول

یکی از آفات زیارت، داشتن انتظار نامعقول از مزور(زیارت شونده) است. برخی زائران می خواهند همه گونه مشکل و سختی را که با آن دست به گریبانند، با یک زیارت از سر راه برداشته شود؛ به گونه ای که آنهانه هیچ گونه سختی در زندگی داشته باشند، نه از بیماری رنج ببرند و نه کمبودی در زندگی داشته باشند و هر حاجت و خواسته ای هم که اعلان کردند، فوری بر آورده گردد.

واقعیت این است که گاه انسان با نادیده گرفتن احکام شرعی و دور افتادن از سبک زندگی اسلامی، با دستان خود بر زندگی خویش گره های متعدد می زند، سپس انتظار دارد با یک زیارت و واسطه قرار خوبان درگاه الهی، سنت ها، حکمت ها و مصلحت های الهی نادیده گرفته شود و تمام مشکلات برطرف گردد.

فرد گرفتاری که تا امروز در زندگی خود بی اعتنا به بایدها و نبایدهای شرعی بوده و از هیچ گناهی پرهیز نمی نموده است، نباید توقع رفع همه گرفتاریها را داشته باشد، اگرچه این خاندان، اهل کرم و فضل هستند و بسیاری از گره ها و مشکلات را برطرف می نمایند،

اما زائر نیز نباید توقع نامعقول یا خلاف مشیت و خواست پروردگار داشته باشد. یکی از ظلمهایی که برخی افراد در حق این بزرگواران انجام می دهند، تقسیم امامزاده به امامزاده خوب یا بد است. برخی که هدفی جز روا شدن حاجت ندارند، به محض آنکه حاجتش برآورده نشد، دیدگاهش نسبت به این خاندان تغییر می کند و امامزاده ای که حاجتش را روا نماید، خوب و بزرگوار می نامد و هر جا حاجتش را نگرفت، به جای آنکه در خود شک کند، امامزاده بزرگوار را مورد تهمت قرار می دهد!

ضمن آنکه تنها به قصد گرفتن حاجت به دیدار خوبان رفتن، ناشی از عدم معرفت است؛ چه خوب است انسان برای پاسداشت مقام اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان و احترام به مرام و مقام والای آنان، به پابوس آنان برود و زیارتی عارفانه و از سر شور و شوق و عاطفه داشته باشد، نه طمعکارانه و خودخواهانه.

4. ارتکاب گناه

زیارت، با همه آثار، دستاوردها و پاداشی که دارد، عملی مستحب است و زائر نباید به بهانه زیارت، در دام گناه بیفتد و به جای آنکه روح و جان خویش را معطر به عطر خوش معنویت و طهارت روحی نماید، غبار و تیرگی گناه و معصیت، روحش را چرکین و آلوده نماید.

به راستی چه تلخ و ناگوار است اگر زائر زحمت پیمودن دامنه های پر سنگلاخ و مسیرهای پر پیچ و خم را تحمل کند، اما صرفاً فیزیکی وجودش این مسیر را در نور دیده باشد و با ارتکاب گناه، وجود راستین و باطن معنوی آنان همچنان در دره های جهل و غفلت آرمیده و در مرداب ضلالت و باتلاق گمراهی باقی بماند.

اتق الله فإننا بلغنا بلغا بالتقوى فمن لم ي ولم يراقبه فليس منا

و لسنه منه؛ از خدا پروا داشته باش. ما به هر مقامی که رسیدیم، به خاطر تقوا و پروا پیشگی است. کسی که از خدا پروا نداشته باشد و مراقب حضور او نباشد، از ما نیست و ما هم از او نیستیم (وباما نسبتی ندارد).» (1)

این سخن ناب و نغز امام رضا (علیه السلام) است؛ امامی که دل‌های عاشقان برای زیارتش لحظه شماری نموده و سختی‌ها را به جان می‌خرند تا لحظاتی را در صحن مقدسش سپری نمایند، چشم در چشم حرم بدوزند و با امامشان سخن بگویند.

بنابراین، برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از برکات زیارت، التزام و پایبندی به عبودیت پروردگار و انجام واجبات و ترک معصیت، باید جلوه‌ای برجسته در زائر این اماکن مقدس داشته باشد؛ چرا که مقام و منزلتی که ائمه هدی (علیهم السلام) و امامزادگان ارجمند نزد خدای متعال به دست آورده‌اند، همگی به برکت بندگی آنان در برابر پروردگار متعال و ترک گناه بوده است.

5. تحمیل هزینه‌های اضافی

هدیه دادن و آوردن سوغاتی از سفر، سنت پسندیده و سفارش ائمه اطهار (علیهم السلام) است؛ همانگونه که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هرگاه مسافرت رفتید، به مقدار توان برای خانواده خود هدیه بیاورید، هر چند آن هدیه ارزش سنگ [را داشته باشد].» (2)

اما باید توجه داشت خرید هدایا و سوغات نباید به‌زائر فشار مالی و روانی آنچنانی وارد کند که لذت زیارت را از او بگیرد و کام او را تلخ نماید، لذا امام صادق عایه می‌فرمود: «از صرف بودجه‌های غیرضروری

ص: 85

1- بحار الانوار، ج 46، ص 176.

2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 459، ح 15259.

در حج صرف نظر کن تا نشاط حج در تو همچنان زنده بماند» (1).

پیامد ناگوار تحمیل هزینه های اضافی در زیارت، چشم پوشی از اصل زیارت، به بهانه مخارج گزاف و هزینه های بسیار آن خواهد بود و برخی افراد، از ترس خرجهای اضافهای که باید برای خرید سوغات و امثال آن هزینه کنند، اصل زیارت را قربانی فرع سوغات می نمایند و خود و خانواده شان، از فضائل و برکات حضور در اماکن مقدسه، محروم می گردند.

ص: 86

1- اقلل النفقه فی الحج تشط للحج ولا تکثر النفقه فی الحج فتمل الحج». کافی، ج 4، ص 280.

پرده هفتم: مخالفان زیارت

اشاره

ص: 87

حق و حقیقت همواره با دشمنان متعددی مواجه است که بدترین آنها دشمنانی است که از درون، همانند خورهای بر جان حقایق میافتند و با کج اندیشی و تحجر، حقایق ناب و اصیل آموزه های دینی را انکار می نمایند که مصداق بارز این حقیقت، تفکر تکفیری و هابیت است که به نام دین، بدترین صدمات و لطمه ها را بر چهره زیبای اسلام رحمت و رأفت، وارد می سازند و با انکار زیارت و کافر دانستن زائران، بدترین توهین ها را در حق آنها روا داشته، مستحق قتل و کشته شدن می پندارند.

جالب آنکه پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) نیز این مسئله را پیش بینی و در حدیثی مفصل خطاب به امیر المؤمنین (علیه السلام) اله فرمودند: «خداوند متعال مزار تو و فرزندان تو را بقعه ای از بقعه های بهشتی قرار می دهد و قلوب جوان مردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار داده به گونه ای که هر نوع رنج و ذلت در راه شما را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می کنند....»

آن گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «و لکن حثاله من الناس یعیرون زوار قبورکم بزیارتکم کما تعنی الزانیة بزناها، اولئک شرار امتی لانالتهم شفاعتی و لا یؤدون خوضی؛ اما گروهی نادان و نابخرد، زائران قبور

شمارا به دلیل زیارتشان چنان سرزنش می کنند که زنان بدکار و زناکار را به خاطر گناهانشان سرزنش می کنند. اینان اشرار امت من هستند که شفاعت من به آنها نخواهد رسید و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهند شد»⁽¹⁾.

نقطه آغاز انحراف

سیره ی مسلمانان تا قرن دوازدهم چنین بود که خاطره بزرگان اسلام را گرامی می داشتند، آنها را به درگاه الهی شفیع قرار می دادند، روی قبور آنان، قبه و بارگاه می ساختند، برای زیارت قبور آنان از راه دور و نزدیکی شتافتند، به آنها توسل می جستند، برای آنها نذر می کردند و قربانی می نمودند، قبور و ضریح آنها را می بوسیدند و به آنها احترام می گذاشتند.

در این قرن، شخصی به نام محمد بن عبد الوهاب (1111-1207ق)، با حمایت استعمار، در عربستان ظهور کرد و همه امور یاد شده را به عنوان مظاهر شرک، قدغن و تحریم نمود و هر کس را که با عقیده او موافق نبود، کافر و واجب القتل دانست.

او با کمک «محمد بن سعود» جد آل سعود، قتل و غارت راه انداخت و بارها به کربلا و نجف، لشکرکشی کرده و بسیاری از مردم بی گناه را شهید و قبر امام حسین (علیه السلام) و سایر شهدا را خراب و مورد هتک قرار دادند و اموال گرانبهای حرم و خانه های مردم را غارت کرده، میان خود و سربازانشان به عنوان غنیمت تقسیم کردند.

آنها همچنین، بارها به مکه و مدینه حمله کرده، گنبدها و ساختمانهای گورستان خبه العلی و قبور ابوطالب و عبدالمطلب و خدیجه و فرزندان پیغمبر و گنبد زادگاه حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و ابوبکر و علی (علیه السلام) و

ص: 90

حضرت خدیجه (علیهم السلام) را خراب کردند و در مدینه نیز همه گنبدها و زیارتگاه ها و قبور صالحان را ویران کرده و با خاک یکسان نمودند.

مزار حمزه، شهدای احد، ائمه چهارگانه بقیع (امام حسن، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق علی (علیهم السلام))، مرقد های عباس عموی پیغمبر، عبدالله و آمنه پدر و مادر آن حضرت، همسران آن بزرگوار، قبر اسماعیل امام اسماعیلیه، قبر مالک و .. نمونه هایی بودند که به این بهانه تخریب شدند. چه بسا اگر ترس از امت اسلام نبود، قبر پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) را نیز خراب می کردند.

گوشه ای از تفکرات وهابیت

این افکار عبدالوهاب، برگرفته از افکار شخصی به نام «ابن تیمیه» بود که در قرن هشتم هجری زندگی می کرد. «ابن تیمیه» معتقد بود مشاهدی که بر روی قبور انبیا و صالحین از عامه و اهل بیت (علیهم السلام) بنا شده، همه از بدعت های حرامی است که جزء اسلام نبوده و در دین اسلام وارد شده است. (1)

او می گفت: شیعه، مشاهدی را که روی قبور ساخته اند تعظیم می کنند، شبیه مشرکین در آنها اعتکاف می کنند، برای آنها حج انجام می دهند، همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می دهند. (2)

به نظر ابن تیمیه، هرگونه زیارت قبور، چه قبر پیامبر و غیر آن، شرک و حرام است. (3) همچنین مسح و بوسیدن هر قبری، ولو قبر پیامبران، شرک است. (4)

او زمانی که این مطالب را آشکار کرد، علما و بزرگان شیعه و سنی،

ص: 91

1- منهاج السنه، ابن تیمیه، ج 2، ص 435.

2- همان، ج 1، ص 474.

3- همان، ص 54.

4- الجامع الفرید، ص 438.

به مخالفت شدید با افکار شیطانی او برخاسته، مردم را نسبت به فتنه او آگاه کردند و موفق شدند تا حدودی مقابل پیشروی این افکار را بگیرند

تداوم فتنه

پس از چند قرن، بار دیگر این افکار توسط عبدالوهاب و با حمایت‌های دشمنان اسلام و حامیان سعودی آنان احیا شد و امروزه نیز در قالب گروه‌های تکفیری همانند طالبان و داعش، در حال خدمت به دشمنان اسلام و مبارزه با شیعیان و آموزه‌های اصیل دینی هستند. آنان هر جا که نمادی از دین، باورهای شیعی، گنبد و بارگاه و مانند آن ببینند، تخریب می‌کنند و زائران مؤمن را به کفر و شرک متهم کرده، فتوای قتل آنان را صادر می‌نمایند. این رفتار آنان، ریشه در کج فهمی‌های جاهلانه «محمد بن عبدالوهاب» دارد که معتقد بود:

هیچ مسلمانی نباید به قصد زیارت، به قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) تا نزدیک شود و بر قبر دست بگذارد.

نباید کنار قبر دعا کند، نماز بخواند، مسجد و بنا بسازد و برای آن نذر کند.

هر کس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) طلب شفاعت نماید، مانند این است که از بتها شفاعت خواسته است.

هیچ کس حق ندارد به رسول خدا (صلی الله علیه وآله) سوگند یاد کند و از الفاظی مانند: به حق محمد و مانند آن استفاده نماید.

زیارت قبور و ساختن گنبد و بنا بر آنها و تزئین قبور و سنگ و کتیبه نهادن بر آن و نیز چراغ و شمع گذاشتن بر آن، شرک است. [\(1\)](#)

تعمیر قبور و ساختن بنا بر روی قبر پیامبر و اولیای الهی حرام است

ص: 92

ولازم است این گونه بناها تخریب شوند.

تشییع جنازه و سوگواری، اقامه عزاو مجالس فاتحه حرام است. (1)

ابن تیمیه، دشمن حضرت علی (علیه السلام)

نکته قابل تأمل و تلخ این نگرش، واکاوی علت مخالفت و دانستن چرایی بیان این افکار جاهلی است که چیزی نیست جز دشمنی ابن تیمیه، عبدالوهاب و دنباله روهای آنها، نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) شخص امیر المؤمنین (علیه السلام)؛ به گونه ای است که ابن تیمیه احادیث مشهوری را که درباره فضائل آن حضرت نقل شده را دروغ می داند و حتی درستی حدیث مشهور غدیر را انکار می نماید و این گونه، خباثت باطنی و بغض خود را نسبت به خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، و ابراز می نماید. (2)

وهابیت، پیروان بنی امیه

نکته مهم دیگری که در مورد این جریان افراطی و متحجر وجود دارد، این است که با کنار هم قرار دادن برخی از نقل های تاریخی، به روشنی می توان ادعا نمود که وهابیت امروزی، دنباله رو همان بنی امیه و ادامه دهنده همان روش خصمانه هستند و وجه مشترک آنان، دشمنی و بغض نسبت به آل (علیه السلام) و فرزندان و سلاله طاهرین ایشان (علیهم السلام) است.

این سه نقل تاریخی، گویای بسیاری از حقایق می باشد:

یک: به نقل تاریخ، «مروان بن حکم که از تبار منحوس و نفرین

ص: 93

1- برای اطلاع بیشتر از عقاید وهابیت، مطالعه کتابهای زیر می تواند مفید و راهگشا باشد: 1- آیین وهابیت، آیت الله سبحانی. 2- وهابیت بر سر دوراهی، آیت الله مکارم شیرازی؛ 3- سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مسجد مقدس جمکران؛ 4- وهابیان را بهتر بشناسیم، علی اصغر رضوانی، دلیل ما، قم و...
2- نک: منهاج السنه، ج 7، ص 319.

شدهی بنی امیه بود، اولین فردی بود که از زیارت جلوگیری نمود. او وقتی دید شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) گذاشته است، با شتاب سوی او آمد و گردن او را گرفته، از جای بلند کرد و گفت: می دانی چه می کنی؟!

منظور وی این بود که چرا به زیارت سنگ و کلوخ آمده ای! زائر که ابو ایوب انصاری» از صحابه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود، گفت:

آری خوب می دانم که چه می کنم. من هرگز به زیارت سنگ و خشت نیامده ام، بلکه به زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمده ام. (1)

دو: «حجاج بن یوسف»، همان خونخواری که شیعیان بسیاری را به شهادت رساند، هنگامی که به امارت عراق منصوب شد، موقع ترک مدینه گفت: «خدا را سپاس می گویم که مرا از این شهر گنده بیرون می برد. این شهر از همه شهرها پلیدتر و مردم آن نسبت به امیر المومنین منظور وی عبدالملک مروان است، دغلاکارتر و گستاخترند. اگر سفارش امیرالمؤمنین نبود، این شهر را با خاک یکسان می کردم. در این شهر جز پاره چوبی که منبر پیامبر خوانند و استخوان پوسیده ای که قبر پیامبر می دانند، چیزی نیست!!» (2)

سه: عجیب اینکه نقل شده که محمد بن عبدالوهاب نیز بر سر قبر رسول الله (صلی الله علیه وآله) می رفت و با عصای خود بر قبر آن حضرت می زد و می گفت: «یا محمد! قم ان كنت حا؛ ای محمد! اگر زنده ای برخیز»

او با این حرکت می خواست به پیروان خود نشان دهد که پیامبر (صلی الله علیه وآله) و زنده نیست و نباید از او حاجت خواست، (3) در حالی که با انکار زندگی و حیات پس از مرگ، کفر و عناد خویش را آشکار ساخت.

ص: 94

1- وفاء الوفاج 4، ص 1404؛ مستدرک حاکم، ج 4، ص 560.

2- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج 4، ص 359؛ تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان اموی، دکتر سید جعفر، شهیدی، ص 182.

3- فرهنگ فرق اسلامی، ص 460.

اگرچه این گونه اوهام و پریشان گویی و هابیت جاهل، خللی در باورهای اصیل و زیبای شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام ایجاد نخواهد کرد و آنان با تمسک به قرآن، سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و الگو گرفتن از پیشوایان راستین خویش، محبت به مولای متقیان و فرزندان ایشان (علیهم السلام) را با هیچ متاعی معاوضه نخواهند کرد، اما برای آشنایی با حقیقت تاریخی بحث زیارت، برخی از آموزه های اصیل و نکات تاریخی را مورد اشاره قرار می دهیم و در پاسخ می گوئیم:

رفتن به زیارت و ساختن گنبد و بارگاه و یا بنای بر قبور توسط شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام)، به جهت عمل به دستور قرآن کریم مبنی بر تعظیم شعائر الهی، پاسداشت آموزه های دینی و خضوع در مقابل مقام بلند کسانی است که خداوند در قرآن کریم از آنان به نیکی یاد کرده، تبعیت از آنان را نشانه ایمان و تقوا دانسته است. (1)

ضمن اینکه هیچ شیعه‌ای از نماز خواندن در این بیوت مقدسه، بناو تعمیر قبور، روشن کردن چراغ و مانند آن، حتی به ذهنشان نیز پرستش و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آنان خطور نمی کند، بلکه همانگونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «به زیارت قبور بروید که یادآور سرای آخرت است» (2) و در دیگر سخن خود می فرماید: «به زیارت قبور بروید، زیرا در آن برای شما درس عبرت است» (3). شیعه با هدف تکریم و پاسداشت مقام آنان و عبرت آموزی و دیگر دلایل معقول و مشروع، به زیارت قبورشان می روند.

ص: 95

1- قرآن مجید می فرماید: «ومن یعظم شعائر الله فاهما من تقوی القلوب؛ هرکس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، آن نشانه تقوای دلها است». سوره حج، آیه 32.

2- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 500، حدیث 1569.

3- کنز العمال، متقی هندی، ج 15، ص 647، حدیث 42558.

نگاهی به تاریخ به ما می‌بازراند که زیارت، توسل، نذر، ساختن گنبد و بارگاه و مانند آن، عملی مورد تأیید آخرین فرستاده خدا، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و جانشینان بر حق ایشان بوده و آن بزرگواران، در سخن و سیره خودشان، همگان را به زیارت قبور و عرض حاجت و واسطه قرار دادن خوبان، سفارش می‌نمودند. (1)

به گواهی تاریخ، پیامبر (صلی الله علیه وآله) با گروهی از مردم به سوی قبرستان رفت و چگونگی زیارت و دعا به مؤمنان را این گونه آموزش داد: السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین وإننا إن شاء الله بکم للاحقون أسأل الله لنا ولکم العافیة؛ درود بر شما مؤمنان و مسلمانان که در این دیار آرمیده اید. ما نیز اگر خدا بخواهد، به شما ملحق خواهیم شد، شما پیشرو قافله ماهستید و ما نیز پیروتان خواهیم بود، از خداوند بزرگ عافیت می‌خواهیم». (2)

همچنین، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در آغاز هر سال، به زیارت قبور شهدای احد می‌آمد و می‌فرمود: «درود بر شما به خاطر صبر و مقاومتی که از خود نشان دادید، پس خانه عاقبت شما نیکوست». (3)

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حضرت حمزه می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد. (4)

همچنین امام حسین (علیه السلام) در هر شامگاه جمعه، قبر برادرش امام

ص: 96

1- قرآن نیز می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا إلیه الوسیله؛ ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید». سوره مائده، آیه 36.

2- الغدیر، ج 9، ص 283؛ صحیح مسلم، ج 3، باب ما یقال عند دخول القبور، ص 65.

3- وفاء الوفاء، ج 2، ص 930.

4- وفاء الوفاء، ج 2، ص 932؛ مستدرک حاکم، ج 1 ص 377، السنن الکبری، ج 4، ص 131.

حسن علی را زیارت می کرد. (1)

خلیفه دوم و پسرش عبدالله نیز به هنگام بازگشت از سفر، ابتدا قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله) را زیارت می کردند. (2)

عجیب تر اینکه در روایات وارد شده است که حتی خود امامان علی الان به دیگر معصومین متوسل می شده‌اند و آنان را در درگاه الهی، واسطه قرار می دادند. «داود رقی» می گوید: بسیار می شنیدم که امام صادق (علیهم السلام) در دعاهای خود خداوند را به حق پنج تن قسم می داد. (3)

یا هر گاه امام باقر (علیه السلام) دچار تب می شدند، از پارچه‌های که با آب سرد مرطوب شده بود، استفاده می‌کردند و برای شفای خویش به مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توسل می‌جستند و با صدای بلند می‌گفتند: «یا فاطمه بنت محمد». (4)

سخن در این باره بسیار است و دلایل قرآنی، عقلی و شواهد تاریخی آن چنان فراوان و متعدد است که جای هیچ شک و شبهه‌ای در زیبایی باور زیارت قبور امامان و امامزادگان باقی نمی‌گذارد؛ اگرچه بهره‌جستن از استدلال و استفاده از منطق برای افرادی که خود را به خواب جهالت و نادانی زده‌اند، بی‌فایده است و ذات ناپاک، عقل منجمد و قلوب وحشی و خشن و هابیت تکفیری، پذیرای چنین لطایفی نخواهد بود.

وهابی و دانشجوی آگاه

هر ساله تعداد زیادی از دانشجویان کشور ایران در قالب عمره دانشجویی راهی سفر حج شده و به زیارت خانه خدا، حرم نبوی (صلی الله علیه وآله)

ص: 97

1- وسائل الشیعه، ج 10، ص 317.

2- شفاء السقام، ص 44؛ وفاء الوفاء، ج 4، ص 1340.

3- کافی، ج 2، ص 422.

4- همان، ج 8، ص 109.

وامامان معصوم (علیهم السلام) مشرف می شوند. فرقه وهابیت به مبلغین فارسی زبان خود دستور داده که با علما و روحانیت شیعه بحث و مناظره نکنید چرا که آنها آگاه هستند و جواب شما را می دهند، اما به سراغ جوانان و دانشجویان آنها بروید و در ذهن آنها ایجاد شبهه کنید. اما آنها غافل از این هستند که جوانان شیعه چه طلبه و چه دانشجو با بصیرت و دانایی فراوان نسبت به اعتقادات خود آگاهی کامل دارند. در یکی از این سفرها وقتی دانشجویان برای زیارت ائمه اطهار (علیهم السلام) وارد قبرستان بقیع می شوند، یکی از مبلغین وهابی به جمع دانشجویان نزدیک شده و با یکی از دانشجویان شروع به سخن گفتن می کند:

وهابی: چرا شما شیعیان مستقیم سراغ خدا نمی روید و امامان معصوم را واسطه قرار می دهید؟ این شرک است؟

دانشجو: عجیب است! مگر شما قرآن نمی خوانید؟

وهابی: چرا ما خیلی قرآن می خوانیم.

دانشجو: در سوره یوسف آمده که وقتی برادران یوسف متوجه اشتباه و گناه بزرگ خود شدند، نزد پدر خود حضرت یعقوب رفتند و چنین گفتند: «یا ابانا اشتغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئین؛ ای پدر از خدا بخواه گناهان ما را ببخشد که ما خطا کار بودیم».⁽¹⁾

و حضرت یعقوب (علیه السلام) نیز در جواب آنان فرمود: «سوف أشتغفر لکم ربی إنه هو الغفور الرحیم؛ به زودی از خدای خود برای شما طلب آمرزش می کنم که او آمرزنده و مهربان است».⁽²⁾ به راستی اگر توسل به پیامبر یا امام معصوم (علیه السلام) شرک است، چرا حضرت یعقوب (علیه السلام) فرزندان خود را از این کار نهی نکرد و فرمود: خودتان به سراغ خدا بروید و از من نخواهید که برای شما استغفار کنم؟ و اگر کار آنها اشتباه

ص: 98

1- سوره یوسف، آیه 97.

2- سوره یوسف، آیه 98.

بود، چرا خداوند متعال در قرآن آن را مطرح و تأیید فرموده است؟ ما با توسل به چهارده معصوم (علیه السلام) به دلیل آن که آنان بندگان شایسته و آبرومند نزد خداوند متعال هستند، در حقیقت به خود خداوند متوسل شده ایم و آنها را تنها واسطه ای میان خود و خدا قرار داده ایم. به همین دلیل می گوییم: «یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله؛ ای آبرومند نزد خداوند متعال، ما را نزد خدا شفاعت کن».(1)

وهابی: شما شیعیان مشرک هستید، چون به ضریح و خاک قبور اهل بیت (علیهم السلام) تبرک می جوئید و آنها را مقدس میدانید

دانشجو: شما که مدعی هستید قرآن می خوانید، مگر در همین سوره یوسف نیامده که حضرت یوسف (علیه السلام) پیراهن خود را به عنوان تبرک برای پدرش حضرت یعقوب (علیه السلام) فرستاد و حضرت یعقوب (علیه السلام) نیز که از فراق یوسف نابینا شده بود، به آن پیراهن تبرک جست و به چشمان خود مالید و شفا گرفت. خداوند متعال حکایت این داستان را چنین نقل می کند: «اذهبوا بقمیصی هذا فآلقوه علی وجه ابی یأت بصیرا؛ یوسف به برادرانش گفت: این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم قرار دهید تا بینا گردد».(2)

و هنگامی که پیام رسان آمد و پیراهن یوسف را بر دیدگان نابینای حضرت یعقوب (علیه السلام) قرار داد، او بینا شد: «فلما أن جاء البشیر ألقاه علی وجهه فارتد بصیرا».(3) به راستی اگر تبرک جستن شرک است، چرا پیامبران الهی چنین کردند و حتی از این تبرک نتیجه هم گرفتند؟

وهابی: استغفر الله استغفر الله!

دانشجو: چرا شما هر وقت کم می آورید استغفار می کنید؟ بروید

ص: 99

1- قسمتی از دعای توسل به چهارده معصوم (علیهم السلام).

2- سوره یوسف، آیه 93.

3- سوره یوسف، آیه 96.

قرآن را که کلام خداست خوب مطالعه کنید. مگر اینکه شما قرآن را هم قبول نداشته باشید که دائما از شرک و مشرک و... سخن می گوید.

در این هنگام، وهابی در مانده و سرافکنده از استدلالهای زیبا و قرآنی دانشجوی آگاه، قبرستان بقیع را ترک کرده و از آن جا رفت. (1)

ان شاء الله تعالی، خداوند متعال به حق مظلومیت ذریه پیامبر و اولاد ستم دیدهی حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیهم السلام) به زودی، اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان امیر المؤمنین (علیه السلام) را از شر این گروه منحرف و متحجر، نجات عنایت فرماید. آمین یارب العالمین

سخن آخر

به امید آنکه تمامی زائران، با قلبی مالا مال از عشق و معرفت، بار سفر زیارتی بسته و با کوله باری از معنویت و دلدادگی بازگردند. ان شاء الله توفیق، رفیق همیشگی زائران باشد.

اللهم لا تخلنا من تلك المواقف الکریمه والمشاهد الشریفه پروردگارا! مرا از آن اماکن گرامی و مشاهد شریف، محروم نکن.

اللهم... و حبب إلى مشاهدهم و ألحقنی بهم و اجعلنی معهم فی الدنيا و الآخرة یا أرحم الراحمین. (2)

خدایا! مرا به زیارت محل شهادت و قبور آنان مشتاق گردان و مرا به آنان ملحق فرما و در دنیا و آخرت همنشین و همراه آنها قرار بده، ای مهربانترین مهربانان

آمین رب العالمین

ص: 100

1- نک: نشریه امام شناسی، شماره 4، ص 2.

2- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 58.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام.
۳. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین علیه السلام.
۴. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۵. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضاء علیهم السلام، بیروت، نشر اعلمی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۶. شیخ کلینی، الکافی، ۸ جلدی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه (آخوندی)، چ ۳، ۱۳۸۸.
۷. عاملی، شیخ حرّ، تفصیل وسائل الشیعه، قم، نشر آل البيت علیهم السلام، ۳۰ جلدی، چ ۲، ۱۴۱۴.
۸. عاملی، شیخ حرّ، الفصول المهمه فی اصول الائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چ اول، ۱۴۱۸.
۹. حرّانی ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۳۶۳.
۱۰. شیخ صدوق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. محقق نوری طبرسی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، نشر آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۸.
۱۲. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه وفاء، چ ۲، ۱۴۰۳.
۱۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵.
۱۴. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، مشهد، نشر بنیاد پژوهش

- های اسلامی، چ ۱۳۷۴.
۱۵. شیخ طبرسی، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر الخرسان، بیروت، دار النعمان.
۱۶. شیخ مفید، المزار، قم، نشر مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، چ اول.
۱۷. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۱۸. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، چ اول.
۱۹. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چ ۳، ۱۴۰۴.
۲۰. علامه امینی، محمد حسین، الغدیر، نشر دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۷۹.
۲۱. محمد بن علی طبری، بشاره المصطفی، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۹۳ م.
۲۲. شیخ صدوق، الامالی، قم، بعثت، چ ۱، ۱۴۱۷.
۲۳. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ق.
۲۴. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹.
۲۵. قزوینی محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، نشر دارالفکر، بیروت.
۲۶. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۲۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، نشر الثقافه الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۸.
۲۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، نشر دار احیاء الکتب العلمیه.

۲۹. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
۳۰. شیخ طبرسی، تفسیر مجمع البیان، بیروت مؤسسه اعلمی، چ ۱، ۱۴۱۵.
۳۱. محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۳۲. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعئه، قم، ۱۳۹۹، ۵.
۳۳. عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۲.
۳۴. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، چ ۲، ۱۳۹۰.
۳۵. بیهقی، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت.
۳۶. ابن حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر.
۳۷. رجایی، غلامعلی، برداشت هایی از سیره امام خمینی، نشر عروج، چ ۴، ۱۳۸۵.
۳۸. جلال الدین سیوطی، الدرّ المنتور، دار المعرفه، چ ۱، ۱۳۶۵.
۳۹. فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۸۷.
۴۰. مسعودی، مروج الذهب، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ ق.
۴۱. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، نشر علم، تهران.
۴۲. شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، نشر معارف اسلام، تهران.
۴۳. عقد الفرید، قرطبی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق،

۴۴. سیره ابن هشام، نشر محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳.
۴۵. مسعودی، مروج الذهب، بیروت، دارالاندلس.
۶۴. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۲۴۹.
۴۷. جعفر مرتضی، سلمان فارسی، ترجمه حسنین، انتشارات اسلامی.
۴۸. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت (سلام الله علیها)، نشر حاذق، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۵۰. الیاس محمد بیگی، فروغی از کوثر، انتشارات زائر، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۵۱. ابن تیمیة الحرانی، منهاج السنه النبویه، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، چ اول، ۱۴۰۶.
۵۲. نور الدین علی بن أحمد السمهودی، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۵۳. علی بن عبدالکافی السبکی الشافعی، شفاء السقام فی زیاره خیر الانام، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۴۰۲، هند.
۵۴. حاکم نیشابوری، المستدرک، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶.
۵۵. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، اسراء، قم.
۵۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، مرکز نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵۷. محمدی ری شهری، کیمیای محبت، زندگینامه رجبعلی خیاط.
۵۸. ابن تیمیه، الجامع الفرید، کتاب الزیارة، جدّه، دار الاصفهانی، سوم، ۱۳۹۳ ق.
۵۹. نورالدین هیشمی، مجمع الزوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۶۰. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تحقیق مکتب التراث، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ ۱، ۱۴۰۸ و چاپ بیروت، دارصادر، ۱۳۹۹ ه. ق.
۶۱. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، دارالفکر، چ اول، ۱۴۰۴.
۶۲. رحمانی همدانی، احمد، الامام علی علیه السلام، تهران، نشر منیر، چ اول، ۱۴۱۷.
۶۳. ابراهیم بن محمد الثقفی، الغارات، چ بهمین.
۶۴. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۶۵. دکتر شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان اموی، چاپ ششم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ه. ش.
۶۶. کمونہ حسینی، سید عبد الرزاق، آرامگاههای خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۶۷. ناسخ التواریخ، محمدتقی سپهر.
۶۸. روضاتی، سید محمدعلی، جامع الانساب، انساب و احوال اعقاب ائمه اطهار علیهم السلام، چاپخانه جاوید، اصفهان، ۱۳۳۴ ش.
۶۹. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر.
۷۰. یادداشتهای استاد مطهری، تهران، صدرا.
۷۱. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی.
۷۲. نشریه مبلغان، معاونت تبلیغ حوزه های علمیه، قم.
۷۳. ماهنامه کوثر، آستان قدس حضرت معصومه علیها السلام (موسسه زائر).
۷۴. و

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

